

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۸
چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ دیال

مردم از تاخیر در معرفی دولت نگرانند

این واقعت اکنون بیش از هر زمان دیگر آشکارتر میشود که امپریالیسم آمریکا با بکار گرفتن تمام قوای اهریمنی دنیای سرمایه و تمامی نیروی چپین متحدان اروپائی و دست نشاندهان آسیائی و آفریقائی، توطئه عظیمی را برای انهدام جمهوری اسلامی ایران و پخشون کساندن انقلاب ایران، تدارک دیده و درصدد اجرای آنست. این توطئه عظیم، که ابعاش هر روز بواسطه توافقی برانگیزه آشکارتر میشود، بحق تکرانی مردم انقلابی ایران و کلیه نیروهای علاقمند به سرنوشت انقلاب و مبولوشن جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است.

در چنین شرایط پس حساسی که انقلاب ایران در یکی از نقاط عطف سرنوشت ساز خود قرار گرفته است، بیشک تجمع و تمرکز تمام نیروی مردم، بویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران، علیه این اقدامات تبهکارانه برانداخته امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان خارجی و مزدوران داخلی، ضرورتی حیاتی و گریز ناپذیر کسب می کند، که هرگونه تعلل و سسامحه در آن، ممکن است بعواقب وخیمی منجر گردد، که جبران آنرا دشوار و یا حتی غیر ممکن سازد.

بهمین دلیل مردم ایران و نیروهای انقلابی متحد و مسئول، با تکرانی به امر تاخیر در معرفی کابینه و آغاز کار نخستین دولت قانونی جمهوری اسلامی ایران برخورد می کنند و خواستار استعرا هر چه سریعتر آخرین پایه قانونی جمهوری اسلامی ایران - که باید نقش مهمی در پیچ توطئه های سرمد علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا، علیه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ، علیه بیوندنهای وابستگی و در جهت تامین استقلال، آزادی و رفاه توده های زحمتکش، ایفا کند هستند. تاخیر در معرفی نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران به مجلس

کشف شبکه جاسوسی آمریکا و انگلیس در اصفهان و لزوم قاطعیت انقلابی در سرکوب توطئه های ضد انقلاب

در صفحات بعد
مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران
هشدار وزارت کار و امور اجتماعی رابه مالکین واحدهای تولیدی را که مانده چگونه تلقی کنیم
اتحادیه دهقانان چیست و چرا باید آنرا تشکیل دهیم

مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران: از ماههای اول انقلاب تا کنون (ذوب آهن اصفهان) یکی از موسسات کارگری نادری بوده که وظایف خود را بنحوشایسته انجام داده است

مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس شایعات موجود در زمینه کمبود ذغال سنگ جهت استفاده ذوب آهن اصفهان را رد کرد. وی ضمن تاکید بر اهمیت ذوب آهن و تشریح فعالیت های مثبت هیئت این سازمان از آغاز انقلاب تا کنون اظهار داشت از ماههای اول انقلاب تا کنون یکی از موسسات کارگری نادری که وظایف خود را به نحو شایسته انجام داده، بطوریکه بهر برداری از آن بیش از زمان طاقت بوده، ذوب آهن است، که متاسفانه همیشه مورد کم لطفی اکثر مقامات مسئول قرار گرفته است. در حالیکه این صنعت مادر اساسی ترین و لادزترین صنعت زیربنایی کشور بوده و باید مورد توجه خاص دولت قرار گیرد. مدیر عامل شرکت ملی فولاد در زمینه شایعات مربوط به کمبود ذغال سنگ گفت: بیشتر اظهار نظرها از سوی افراد غیر-

متخصص است، زیرا ذغال سنگ مورد احتیاج ذوب آهن تنها از معادن کرمان تامین نمیشود، بلکه از چهار واحد معدنی کرمان، زیراب، شاهرود و سنقرود ذغال سنگ لازم تامین میشود. وی افزود معادن کرمان از فعالترین معادن ماست و کارگران کرمان تا کنون کلیه برنامه های محوله را بخوبی اجرا و کمبود معادن دیگر را نیز تامین کرده اند. مهندس آشتیانی همچنین گفت یکی از دلایل اصلی ایجاد تکرانی در مورد کمبود ذغال سنگ در حال حاضر، عدم تمویل ذغال خارجی است که قبلا از آلمان فدرال تامین میشد، ولی به علت تحریم اقتصادی از صدور آن به ایران جلوگیری شده است. سرپرست شرکت ملی فولاد ایران افزود: البته اشکالات فنی در معادن سنقرود و زیراب وجود داشت که بهمدالله در حال برطرف شدن است. وی در این مورد همچنین گفت: مسئله ورود ذغال سنگ از آلمان نیز در

آزادی فعالیت سیاسی برای همه گروهها و سازمانهای مؤمن به انقلاب

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود، که روز سوم شهریور در تالار مطبوعات مجلس برگزار شد، در پاسخ سوال یکی از خبرنگاران مبنی بر علت جلوگیری از فعالیت سیاسی مجاهدین خلق، فدائیان خلق، حزب توده ایران و گروههای دیگر در شهرهای آبادان و خرمشهر، و اینکه مجلس در رابطه با فعالیت گروههای سیاسی موجود چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد، اظهار داشت که:

من این را قیلام گنم! اگر در چهارچوب قانون اساسی گروهها حاضر به فعالیت سیاسی سالم باشند وقت و مراعات بکنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بهم که قانونی باشند و فعالیت بکنند. شروط به مراعات قانون مجلس حقیقتا حمایت میکند. پاسخ رئیس مجلس شورای اسلامی، بویژه از آنجیت امید به حکومت قانون را در دلها باروز میگذرد. ایشان بر اساس قوه قانونگذاری قرار دارند، این پاسخ مورد تأیید کامل تمام گروههای سیاسی مؤمن به انقلاب و از جمله حزب توده ایران است، که خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی رای مثبت داده و پیوسته اجرای قانون و استقرار نظم انقلابی را طلب کرده است. شواهد و مدارک آنی که جهت اسلام رفتن برای فعالیت قانونی گروههای سیاسی خاطر نشان کرده اند، برای حزب ما مقبول و پذیرفتنی است، زیرا که فعالیت حزب توده ایران دقیقاً در این چهارچوب و بنا بر اساس آکید همین ضابطه ها و معیارها بوده است.

حزب ما بر اساس مشی اصولی انقلابی خود از انقلاب ۲۲ بهمن و نظام بر خاسته از آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران با تمامیرید و امکانات پشتیبانی کرده است، و این پشتیبانی نه مانور تبلیغاتی است، نه تاکیک روز، نه مواخیزی و نه نقشه ویژه، بلکه از آنجا نشأت میگیرد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را، انقلابی و نظامی مخالف با سلطه امپریالیسم، استقلال طلب، خلقی و خواهان بیروزی توده های محروم و زحمتکش تشخیص داده است. حزب توده ایران در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی، صدیقی به شفافیت نور داشته است و در این رهگذر از هر گونه حسابگری و خود محوریتی مبرا مانده و تنها محرك آن مشی اصولی و انقلابی آن بوده است، که دشمن هر گونه سلطه امپریالیسم و نواستعمار خواهان سعادت و نیکی توده های محروم است که طی قرون بر آنان ستم رفته است.

اسناد صداقت و وفاداری ما به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بیش از سیصد شماره نامه مردم، از گران مرکزی حزب است، که از خلال سطر سطر آن متق عمیق توده های به حفظ دستاوردهای انقلاب، تداوم و بیروزی آن مجلس است؛ شماره های مجله دنیا، ارگان سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب است، که صفحات آن گواهی وفاداری

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: با کوچکترین حرکت نظامی آمریکا جاسوسان یکجاریهسپار جهنم خواهند شد

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در یکصد و چهل و دومین اطلاعیه خود درباره توطئه آمریکا برای به اصطلاح نجات گروهگانها هشدار دادند. در اطلاعیه از جمله آمده است: ... کارتر باید بداند که اگر این گروه به مرکز جاسوسی آمریکا در تهران حمله کرده بودند اکنون از هیچیک از آنها و از ۵۰ نفر جاسوس خبری نبود و همه رهسپار جهنم شده بودند.

(امام خمینی بمناسبت حمله نظامی آمریکا در طبرستان) ملت بیدار دل و رزمنده و غیور ایران پر شک انقلاب عظیم اسلامی ایران به رهبری بششکن زمان حضرت امام خمینی در مسیر موفقیت های خود چنان قدرت تفکر را از کار برد که در هیئت حاکمه آن سلب کرد که دیگر کمترین آمیدی برای دولت جنایتکار

آمریکا باقی نگذاشته و بناچار دست به مانورهای احقانه نظامی در خلیج و تقویت نیروهای مزدور و وابسته در مرز عراق زده است... گویا توطئه رسوای کودتا را که با شکست مقتضایه مواجه شد و باعث دستگیری و به هلاکت رسیدن عوامل و پایدی مزدورنش گشت از یاد برده است و هنوز به دنبال ملامت و شموات شیطانی خود در تلاش است و رامیه جانی نمی برد.

امروز که مبارزات دلورانه دانشجویان مسلمان، این فرزندمان راستین اسلام در آمریکا - انگلیس - ایتالیا - فرانسه و سایر نقاط عالم و بهغل و زنجیر کشیدن این عزیزان به دست مزدوران آمریکا در خود آمریکا، یا در دیگر کشورهای سر - سیره آمریکا می رود تا این ابرقدرت عالی خوار را به خاک رسوائی کشاند کارتر پلید راهی جز شکست انقلاب

اسلامی ایران نمی بیند. ما ضمن هشدار به ملت میبای رزم و دلور ایران اعلام میکنیم از آنجای که در حال حاضر مسئله جاسوسان آمریکا که نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری است تعیین کننده میباشد، لذا درصدد هستیم که به نحوی خود را از آثار مرگبار این جریان نجات دهند و قبل از اتخاذ تصمیم قاطع از طرف مجلس شورای اسلامی به خیال خام خود آنها را آزاد کنند ولی زهی خیال باطل که تا روشن شدن سرنوشت جاسوسان آمریکائی همچنان بطور سرسخت از آنها تکبذاری میکنیم و همانطور که امام استغفرموندفاکر تا روز تعیین تکلیف جاسوسان آمریکائی جهان خوار کوچکترین حرکت نظامی از خود نشان دهد حمله کنندگان و جاسوسان به یکجا رهسپار جهنم خواهند شد. ما در هر حال آماده یابش کامل بوده و برای خنثی کردن هرگونه توطئه احتمالی بر آن شدیم تا محل تکبذاری آنها را در شهرستانها به جای نامعلوم دیگری منتقل کنیم در حال حاضر آن عده جاسوسانی که در شهرهای شیراز و گرگان، زنجان و قزوین تکبذاری شده اند به نقاط نامعلوم دیگری منتقل کرده ایم.

حزب ما بر اساس مشی اصولی انقلابی خود از انقلاب ۲۲ بهمن و نظام بر خاسته از آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران با تمامیرید و امکانات پشتیبانی کرده است، و این پشتیبانی نه مانور تبلیغاتی است، نه تاکیک روز، نه مواخیزی و نه نقشه ویژه، بلکه از آنجا نشأت میگیرد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را، انقلابی و نظامی مخالف با سلطه امپریالیسم، استقلال طلب، خلقی و خواهان بیروزی توده های محروم و زحمتکش تشخیص داده است. حزب توده ایران در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی، صدیقی به شفافیت نور داشته است و در این رهگذر از هر گونه حسابگری و خود محوریتی مبرا مانده و تنها محرك آن مشی اصولی و انقلابی آن بوده است، که دشمن هر گونه سلطه امپریالیسم و نواستعمار خواهان سعادت و نیکی توده های محروم است که طی قرون بر آنان ستم رفته است.

اسناد صداقت و وفاداری ما به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بیش از سیصد شماره نامه مردم، از گران مرکزی حزب است، که از خلال سطر سطر آن متق عمیق توده های به حفظ دستاوردهای انقلاب، تداوم و بیروزی آن مجلس است؛ شماره های مجله دنیا، ارگان سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب است، که صفحات آن گواهی وفاداری

به پرویز سلطانی

آنکه میداند

با تو روی سخن هست و چه بسیار چو تو ای ستم سزده امید آورده در جوانی به سپهال شده سرفراز آمده و موی سپید آورده

بینست باز که در زندانی و ندر آن بند این بار همره معتقد و یاور زندانیانی

دوست، نشناخته، دشمن یا تو و تو ای شعله روشنگر راه در ره دوست بلا دیده جان افشانی

جرم تو دانستن جرم تو دانه اندیشه بهر مزرعه ای کاشتن است جرم از دست و بر خلق مدام بند برداشتن است

آنکه میداند، در خم، شاد است در همه حال گرفتاری و مرگ توده های زنده دلی آزاد است

سیاوش کسرائی

شهریور ۱۳۵۹

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران متحد شویم!

اتحاد شوروی در عمل نشان داده است که دوست و مدافع راستین انقلاب فلسطین است

یاسر عرفات: امروز ملت ما با جنگ و آشوب روبروست و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که شما (اتحاد شوروی) نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید.

این تصور که گویا دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر سر مسئله فلسطین در حال توافق و بند بست با صهیونیسم امپریالیسم جهانی است و در حرف از فلسطین دفاع می‌کند و در عمل به آنها از پشت خنجر می‌زند، چندی است که در نزد برخی از دولتمندان و همچنین رسانه‌های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران هواخواهان پیدا کرده است.

این پندار اگر از جانب آنکه در عمل دارای صداقت انقلابی هستند، طرح شود، دلیل بر عدم آگاهی از وقایع و عملکرد واقعی اتحاد شوروی در قبال مسئله فلسطین است. اگر از جانب مترضان و کج‌اندیشان طرح شود، ما را کاری با آن نیست. تاریخ خود بارها جوابگوی چنین تصوراتی بوده و اکنون نیز جوابگوی آنها خواهد بود.

ما در این جا بصورت اول مواجهیم. از این دو برای آنانکه جویای حقیقت‌اند، یادآوری‌کنان چند پیرامون دفاع صادقانه اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین و برخورد رهبران خلق فلسطین به این مسئله را مرور میدانیم.

خلق فلسطین در روبروئی مستقیم با صهیونیسم و حامی آن امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی، پشتیبانی جهانی نیروهای ضد امپریالیسم و آزادیخواه را همواره با خود داشته است. مبارزات خنجرافشان خلق فلسطین در راه آزادی سرزمین‌های اشغالی علیه اسرائیل تجاویزگر، از نخستین روز مورد پشتیبانی همه‌جانبه کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بوده است. اتحاد

شوروی در تمامی همواره‌ها، چه در صحنه نظامی و چه در صحنه سیاسی، چه از طریق رساندن انزوخه، دارو و اسلحه و چه در پشت تریبون‌های سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی، از حقوق مردم فلسطین و انقلاب فلسطین دفاع کرده است. دفاع اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین نه‌صحنه‌است و نه هوافریبی. این دفاع نه منور سیاسی است و نه تا تکیه. این دفاع بر مبنای اصول سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی انجام می‌گیرد، که پشتیبانی از جنبش‌های رها می‌بخش ملی از ارکان آن است.

اتحاد شوروی بارها تاکید کرده است که یگانه راه حل مسئله فلسطین خروج واحدهای نظامی اسرائیل از تمامی سرزمین‌های اشغالی شده و شناسائی حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین و حق تشکیل یک دولت مستقل است.

در همین زمینه، در مذاکرات مهمی که در آبان ماه ۵۸، در مسکو، بین رهبران شوروی و یاسر عرفات انجام شده، اتحاد شوروی یکبار دیگر اعلام کرد که قاطعانه از مبارزه برحق خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم حمایت می‌کند.

اتحاد شوروی به شهادت تاریخ نشان داده است که هیچگاه از سیاست اصولی خود در مورد انقلاب فلسطین عقب‌نشسته است. از این روست که رهبران جنبش فلسطین به کرات پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای ترقی‌خواه از جنبش فلسطین را ارج نهاده‌اند و آنرا از جمله وثیقه‌های مطمئن کسب پیروزی‌های خود خوانده‌اند. در این زمینه اظهارات رسمی رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین موبد این نکته است که اتحاد شوروی به آنچه گفته، عمل کرده است.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در پیامی که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب اکتبر برای تولید بزرگف دیبرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر شورای عالی اتحاد شوروی ارسال داشت، در ارتباط با کمک‌های بی‌شائبه اتحاد شوروی به انقلاب فلسطین یادآور شد:

«امروز ملت ما با جنگ و آشوب روبروست و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم

که شما نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید. ما ... همواره کمک و امداد برادران سوسیالیست خود را و نیز کمک‌های اتحاد شوروی را مفتخریم.»

یاسر عرفات هنگام دیدار خود از اتحاد شوروی، در همین سال گذشته، در پایان مذاکرات با رهبران شوروی اظهار داشت:

«ما خوشحالیم که مبارزه ما در میان لنین بزرگ، یعنی اتحاد شوروی از تمام و حمایت کامل برخوردار است. سرزمینی که خلق‌های آن برای نخستین بار راه آزادی و استقلال واقعی را به خلق‌های جهان نشان داده‌اند. کمک‌های اتحاد شوروی به خلق‌های عرب برای ما در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و صهیونیسم، توانبخشی است. ما انتقاد داریم که دوستی میان خلق فلسطین و اتحاد شوروی روز بروز مستحکمتر خواهد شد.»

ابوصدر، سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین، در پایان کار کنفرانس کشورهای عضو جبهه پایداری، که چندی پیش در طرابلس برگزار شد، در ارتباط با تحکیم روابط کشورهای عضو جبهه پایداری و اتحاد شوروی، به خبرنگاران گفت:

«کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس جبهه پایداری در آخرین جلسه خود، لزوم تحکیم روابطشان با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی را مورد تأیید قرار دادند.»

اظهارات فوق بیانگر یک واقعیت است و آن اینکه: اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عمل نشان داده است که پیگیرترین مدافع حقوق و خواست‌های خلق فلسطین و دیگر خلق‌های جهان است. گمان این واقعیت زنده، یعنی چشم‌پوشی برصفت‌های گرانپایسی از اتحاد جنبش‌های رها می‌بخش ملی و کشورهای سوسیالیستی در زرم‌مشترک علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی!

کشف شبکه جاسوسی امریکایی در اصفهان، لزوم قاطعیت انقلابی را در سر کوب توطئه‌های ضد انقلاب تاکید میکند

هنگامیکه روزنامه‌ها اطلاع دادند که دیپلمات‌های انگلیسی جل و یاسی خود را یواشکی جمع کرده و رفته‌اند و تنها دو سه نفر از آنان در تهران باقی‌مانده‌اند، ما حسی زدیم که امریالیسم بریتانیا، دست‌نگل‌زیبایی به آب داده و برای گریز از عواقب آن، دیپلمات‌های انگلیسی فرار پنهانی را بر قرار ترجیح داده‌اند. بریزور که اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان در روزنامه منتشر شد و از ایام توطئه‌های که سرویس‌های جاسوسی انگلستان و امریکا در ایران تهیه دیده بودند، پرده برداشت، رمز تخلیه سفارت انگلستان در تهران روشنتر گشت. معلوم شد که انگلیس‌ها، که پس از انقلاب خودشان راهب موش‌زدگی زده بودند و با سیاست کج‌دار و مریش‌شان خود را نسبت به انقلاب ایران دیپلرف نشان میدادند، گردانندگان یکی از بزرگترین شبکه‌های جاسوسی و ضد انقلابی در ایران بودند. چشم‌کسانی که امیدوار بودند از اروپای غربی و زاین بر ضد امپریالیسم امریکایی و بنفع انقلاب ایران استفاده کنند روشن!

ما از همان نخستین روزهای انقلاب فریاد زدیم که امریالیسم یک سیستم واحد جهانی است و در بین اجزای آن اصل: جو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار (یا اعتدال از استاد سخن سندی، که این بیت زیبای او را در چنین موردی بکار میرسیم) تمام بی کمال حکمفرماست و این گفته بخصوص در مورد کشورهای نظیر انگلستان و ایالات متحده امریکا صادق‌تر است. همکاری بین‌انحصارات انگلیسی و امریکائی و دولتهای این دو کشور، که از نمایندگان همان انحصاراتند، در دوران پس از جنگ، بویژه در دوران مبارزه علیه جنبش ملی‌شدن نفت در ایران وارد مرحله تازه‌ای گشت.

انگلستان، که پس از جنگ دوم جهانی بتدریج به یک دولت درجه دوم تبدیل میشد (امروز انگلستان از لحاظ تولید صنعتی ششمین کشور جهان است) بدون پشتیبانی ایالات متحده، که در آن زمان با فاصله زیادی در راس دنیای سرمایه‌داری قرار داشت، نمیتوانست بقایای نفوذ خود را در جهان سوم، بخصوص منطقه خاور نزدیک و میانه، که برایش اهمیت حیاتی داشت، حفظ کند. امریالیست‌های امریکائی نیز که باین منطقه بدلیل ذخایر نفتی و موقعیت استراتژیکی چشم‌مطم دوخته بودند، بدون همکاری با انگلستان، که شبکه گسترده‌ای از سازمانهای مخفی سیاسی (نظیر فراماسونری و فیره) و اطلاعاتی (نظیر آنچه در اصفهان کشف شد و در سایر نقاط هنوز کشف نشده است) در دست داشت و محافل حاکم کشورهای این منطقه زیر نفوذ آن بودند، نمیتوانستند جای پای خود را در این کشورها محکم کنند.

امپریالیست‌های انگلیسی و امریکائی بر پایه این نفع مشترک در سیاست‌های سلطه‌جویانه خود در منطقه خاور نزدیک و میانه بتوافق رسیدند. همکاری آنان در جریان کودتای ۲۸ مرداد محصول این توافق بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم موقعیت‌های سابق، شبکه‌های نیرومند اطلاعاتی امریالیسم امریکایی و انگلستان فعالیت خود را در تهران متمرکز نمودند و تهران را مرکز فعالیت جاسوسی خود در تمام منطقه تبدیل کردند. همکاری بین سرویس‌های جاسوسی انگلستان و امریکایی، که اسرائیل نیز به آنها بلحق شده بود، در تمام دوران پس از کودتا بر ضد جنبش انقلابی ایران ادامه داشت.

در دوران اوج جنبش، بخصوص در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ما جای پای جاسوسان امریکائی، انگلیسی و اسرائیلی را در تمام‌حوادث ایران مشاهده میکنیم. امریالیست‌های امریکائی و انگلیسی، کوشیدند که با استفاده از شبکه جاسوسی خود جنبش را خفه کنند و یا لائل مسیر انقلاب ایران را بنفع خود تغییر دهند. اما انقلاب ایران نیرومندتر از آن بود که جاسوسان امریالیسم بتوانند در آن تاثیر جدی بنمایند. با وجود این، آنها از تلاش‌های ناپسندانه و درچارچوب امکاناتی که داشتند، «آدم‌های خود را در ازگانه‌های جدید بنیادتاسیس انقلابی، از شورای وزیران گرفته تا دادگاه‌ها و کمیته‌ها جایجا کردند. برخیز از آنان به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افتخا شدند، اما کشف شبکه‌های ضد انقلاب و بخصوص شبکه اصفهان نشان میدهد که، اقتشاشدگان

تنها بخش بسیار کوچکی از عوامل ضد انقلاب در ایران را تشکیل میدادند.

شبکه جاسوسی اصفهان، که بوسیله پاسداران انقلاب اسلامی کشف شد، یکی از قدیمیترین و شاید قدیمیترین شبکه جاسوسی امپراطوری بریتانیا در خاک ایران است. پای میسیونرهای انگلیسی از اواخر قرن هجدهم به ایران باز شده است. میسیونرها، چنانکه لنین مینویسد، پیشقراولان استعمار بودند و استعمارگران اروپائی بدنبال میسیونرها، که انجیل در دست، راه را برای سلطه دولتهای اروپائی زیر پرده مذهب باز میکردند، به داخل کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین نفوذ کرده، آنان را بزنجیر اسارت خود میکشیدند. بخش بزرگی از آفریقای منیا، از همین راه به مستعمره دولتهای اروپائی تبدیل شد و خلق‌های آن مسیحیت را بتنوان دین خود پذیرفتند. در برخی از کشورهای اسلامی میسیونرهای منیجی موفق شدند که اقلیتی از مردم را بقبول دین مسیح متقاعد سازند، ولی در اکثر این کشورها سیاست منیجی‌کردن مردم با شکست قاطع روبرو شد. در ایران تقریباً هیچکس از بین مسلمانان به مسیویت نگروید. با وجود این، هیئتهای میسیونری در ایران فعالیت خود ادامه میدادند (بعین میسیونرهای روسی، که پس از انقلاب اکتبر، بدستور لنین به فعالیت آنها نقطه پایان گذارده شد) و سازمانهای عریض و طویل خود را حفظ کرده بودند.

برای فعالیت میسیونرهای انگلیسی و امریکائی در ایران نه تنها از نظر سیاسی، بلکه همچنین از نظر مذهبی نیز هیچ دلیل موجهی وجود نداشت، زیرا مسیحیان ایران (ارمنی‌ها، آشوری‌ها) تابع کلیساهای انگلستان و امریکایی نیستند و «اسقفی اعظم اصفهان را نیز قبول ندارند. شاهان ایران، که طی دو قرن اخیر همه دست‌نشانده‌گان دولتهای استعماری بودند، وجود این میکروب بیگانه را در اندام ضعیف کشور تحمل میکردند و بهیچوجه مانع فعالیت آنها نمیشدند. در زمان سلطنت محمدرضا، که دوران «شکن - بشکن» امریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکایی، در ایران بود، سازمانهای میسیونری دستگامهای خود را در طول و عرض گسترده و در همکاری با ساواک و نفوذ سازمانهای ضد رژیم، نقش بسیار شوم و موثری علیه جنبشهای انقلابی ایران ایفا کردند. میسیونرها تمام فعالیت ضد انقلابی خود را زیر پرده مذهب و مبارزه با کفر و الحاد انجام میدهند، اما روشن‌است که مذهب آنان نیز مانند تمام مذاهب دیگر طبقاتی است. آنها هنگامیکه شاه سابق سرکاربود، با دستگاه جنبش ساواک بر ضد مبارزان انقلابی (بخصوص پیروان مارکسیسم) مبارزه میکردند و اکنون که جمهوری اسلامی ایران بر ویرانه‌های رژیم‌شاهنشاهی پدید آمده است، با سرویس‌های جاسوسی امریالیسم امریکایی و انگلستان برای براندازی این جمهوری، که مذهب مستضعفان را پایه و اساس نظام اجتماعی خود قرار داده، همکاری میکنند. آنچه تاکنون از فعالیت این شبکه عظیم جاسوسی کشف شده، دایره گسترده فعالیت آنها بخوبی نشان میدهد. تنها کافی است به رقم پانصد میلیون دلار و ۳۰۰ کیلوگرم «تی» توجه کنیم. این آقایان خدمتگزار مسیح، برای فنیکوکاری‌های خودشان ۳۰۰ کیلوگرم «تی» آن، «تی» توزیع کرده‌اند. چقدر از این مقدار مصرف شد و چقدر هنوز بمصرف نرسیده، دقیقاً معلوم نیست. اما هر کیلوگرم از این ماده منفجره نیرومند میتواند به زندگی دهها و صد هاتذرت خاتمه دهد. این پیمانه‌ای که هر روز در جانی منقیر میشوند، در برابر پیمانه نیرومندی که میتوان با این ۳۰۰ کیلوگرم «تی» آن، «تی» ساخت، اسباب‌بازی بیش نیست.

محل خرج این ۵۰۰ میلیون دلار هم چیزی نظیر مصرف همان ۳۰۰ کیلوگرم «تی» آن، «تی» است. «پایستی این مبلغ بین بعضی از پرسنل ارتش ایران، رهبران فرقه‌سیاسی غیرقانونی بهائی و ضد انقلابیون توزیع شوه رهبران فرقه بهائی بهیول چه احتیاجی دارند؟ سازمان بین‌المللی بهائیان، یکی از متمولترین سازمانهای سیاسی - مذهبی است. نمیتوان پذیرفت که رهبران بهائی از سازمانهای میسیونری به منظور کمک به افراد فرقه خودشان پول گرفته باشند. بنابراین رهبران فرقه بهائی، اگر پولی از «اسقفی اعظم» گرفته باشند، برای مصارف سیاسی، یعنی مبارزه بر ضد رژیم گرفته‌اند، و این برخلاف

ادعای آنهاست که مذهب بهائی مداخله در سیاست را منع میکند. معلوم میشود که مذهب آنان نیز چون مذهب کیشیان «اسقفی اعظم» کسندار و طبقاتی است، یعنی سکوت و تسلیم در برابر رژیم شاملون و مبارزه و سرکشی در مقابل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی مسئله سیاسی است و نه مذهبی.

در گروه دیگری، که از این ۵۰۰ میلیون دلار سهم میرند بعضی از پرسنل ارتش و ضد انقلابیون هستند. تکلیف ضد انقلابیون مشخص است، اما با بعضی از پرسنل ارتش چه باید کرد؟ آیا این نیز زنگ خطر ترمای نیست که درباره وضع داخلی ارتش میباید دمی آید؟ میزان این پول، که مبلغ عظیمی را تشکیل میدهد، نشان میدهد که طراحان انگلیسی و امریکائی برنامه‌های خود را برای مدت درازی تنظیم کرده‌اند و هنوز ارتش ایران را محیط مساعنی برای پیاده کردن طرحهای ضد انقلابی خود محسوب میدارند.

اسنادی که در «اسقفی اعظم» اصفهان کشف شده، با تمام اسناد دیگری که درباره برنامه‌های ضد انقلاب در ایران بدست آمده، هماهنگی کامل دارد. در یکی از این اسناد از قول طراحان سیا، گفته شده است:

«ما نقشه‌های مختلفی داریم که اولین آن تشکیل گروه‌های مقاومت در ایران بتوان یک ضرورت است. ما می‌توانیم و مجاز نیستیم ساکت به‌تصمیم. اگر ما ساکت بتصمیم تمام دوستانمان را در ایران از دست خواهیم داد.»

آری، امپریالیست‌های امریکائی و انگلیسی عجله دارند. آنها میکوشند که انقلاب ایران را، تا «تمام دوستانشان را از دست نداده‌اند»، خفه کنند. «دوستانشان» نیز یکی‌ساز دیگری «زنده» بیرون‌میروند. بهیمن دلیل نیز آنان شیوه ضد انقلاب خرنه را به‌شیوه اعمال‌روزختن تبدیل کرده‌اند.

ما میدانستیم و میدانیم که امپریالیستها ساکت نخواهند تست» ما بارها در این باره هشدار دادیم. کشف شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» در اصفهان گواه بارز دیگری بر خصومت آشوب‌ناپذیر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکایی (و فرزند خلف آن صهیونیسم) با انقلاب ایران است، که برخلاف گفته و ادعای کسانی که می‌خواهند ریشه این خصومت را در «کروگانگری» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام جستجو کنند، کوچکترین ارتباطی با آن نداشته است.

هدف امپریالیست‌های انگلیسی، امریکائی و اسرائیلی، که «اسقفی اعظم» اصفهان را به مرکز جاسوسی خود تبدیل کرده بودند، براندازی جمهوری اسلامی ایران است، که رهبران آن، چنانکه در سند ذکر شده، و بیستم امپریالیست‌های چنانیکار «یک‌گروه» قاتل و تروریست هستند، که باید آنها را بیدرتک گشت.

بی‌تردید شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» اصفهان تنها شبکه‌ای نیست که در ایران زیر تقاب مذهب فعالیت داشته است. چنانکه در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان گفته میشود «اسقفی اعظم» علاوه بر اصفهان، در مراکز استان‌های تهران، شیراز، کرمان، یزد و خوزستان شعبه داشته و هر یک از این شعب خود موسسات مختلفی در اختیار و زیر نفوذ داشته‌اند. هیچ معلوم نیست که این شعب و سایر تاسیسات امریکائی و انگلیسی، که در ایران فعالیت میکنند، هر یک خود چنین شبکه عظیم جاسوسی نباشند.

تشکیل شبکه‌های عظیم جاسوسی در ایران تنها یک رشته از توطئه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی، بر ضد انقلاب ماست. دنیای سرمایه‌داری تمام امکانات خود را برای رویاوری با انقلاب ایران در یک کسه ریخته است. جبهه واحد کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی رهبری عملیات ضد انقلابی ایران را به کمیته‌ای زیر نظر پرتزینسکی، مشاور کاردت در امور امنیت ملی، سپرده است تا گلوی انقلاب ایران را بفشارد.

اما انقلاب ایران، بکوری چشم دشمنان، علیرغم تمام توطئه‌ها، کارشکنی‌ها و فشارهای اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی و تهدیدات نظامی که از جانب جبهه متحد دنیای سرمایه‌داری بر آن وارد میشود، با گام‌های استوار به پیش میرود و سنگری را در پی سنگر دیگر از امپریالیسم جهانخواه میکیرد.

«اسقفی اعظم»، این سنگر جاسوسان انگلیسی، امریکائی و اسرائیلی فروریخت. خلق ما سنگرهای دیگر را نیز بصرف درخواست آورد. امپریالیسم، این نظام محضرف، هر قدر هم جان‌مختی نشان دهد، محکوم بهرگ است. و ما از صمیم قلب شادمانیم که خلق قهرمان ما در اجرای این حکم تاریخ سهم شایسته خود را ادا میکند.

مائوئیسم - همکار امپریالیسم برضد انقلاب ایران

تبلیغات و سیاست‌ها بی‌ساختی که رنگ و بوی مائوئیستی دارد، در فضای بزرگی از جامعه ما رخنه کرده است. دیدگاه‌ها و احکامان بکن و آسمان زمین‌ها را مائوئیست‌های داخلی، به اشکال مختلف از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات کثیرالانتشار و برخی از سیاستمداران و مبلغان و شارحان اجتماعی در رنگ و لعاب و بسته بندیهای جورا جور به خورد توده‌ها داده می‌شود.

آیا این همه آشنایی و اشتراک عقیده و نظریاتی از ارگانها و رسانه‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی ایران با مائوئیسم نمادنی است؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند با همان اسلوب و معیارهای قضاوت کند که باب طبع و حتی ساخته و پرداخته شده در کارگاههای تئوری بافی مائوئیستی است؟ چه کسی است که نداند، مائوئیسم امروز همکار امپریالیسم جهانی است؟ آیا یک انقلاب فدا امپریالیستی و خلقی، از مفوله انقلاب ایران، می‌تواند امپریالیسم را از یک دربیرون کند و به اقتدای مودی ترین متحدان برود و از او سرمشق بگیرد؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند در سیمای مائوئیسم برای خود متحدی بیابد؟ و اگر چنین است، آیا متحدان امپریالیسم واقعا می‌توانند متحدان یک انقلاب فدا امپریالیستی هم باشند؟ و اگر چنین نیست، آیا نباید این همکار مودی امپریالیسم که نه تنها از ریزش و با روهی انقلاب هرچه بیشتر دور کرد و خطر آفتاب مهلک آنرا برای توده‌ها و سادگان گستران افشا ساخت؟

اینکه ستون پنجم امپریالیست، در لابلای زها و شبه تئوریها و سیاست‌های مائوئیستی توانسته و می‌تواند بی‌ساختی به میدان بیاید و اینجا و آنجا مواضع سیاسی و بی‌ساختی تبلیغاتی می‌تواند انتقال کند و مهره‌های خود را در زیر سایه تئوریهای مائوئیستی حاس و بگماید، خود نشانه آنست که کار انقلاب در جایی سخت‌تر است.

مگر وزن مخصوص گروهکهای مائوئیستی و تمامی اعوان و انصار آنها در مجموعه جامعه ما چند است؟ یک درم؟ نیم درم؟ یک دهم درم؟ نه، تعداد حواریان و چپ‌نمایان شیطان بزرگ، از اینهمه بسیار ناچیزتر است. اما آیا شمع تبلیغاتی و دامنه عمل و تائید شایسته آنها هم به همین اندازه ناچیز است؟ نه و خدا البته مائوئیستها در بسیاری از موارد و زمینه‌ها توانسته‌اند هزاران برابر بیشتر از حجم سیاسی خود تبلیغ و تخریب کنند نظرات خود را در سیاست رسمی، چه داخلی و چه خارجی، و در نتیجه در سیاست عمومی تبلیغاتی کشور سوخته‌اند و پیش ببرند و به نام دفاع از اسلام و انقلاب جاده را برای بازگشت شیطان بگشایند.

اغلب نفوذ و گسترش یک تئوری و سیاست، مرسوم صحت و نیروی حیاتی آنست. تئوری صحیح وقتی رواج یابد، به نیروی مادی بدل می‌شود، در نسوج و اذهان ریشه می‌دواند و جاذبه‌ای حرکت انگیز کسب می‌کند.

این واقعیت اما ربطی به مائوئیسم ندارد. میزان صحت و حقیقت مائوئیسم را در چهره خیانت با حاکمان بکن، که به خم خونی هم خلقها و انقلابها دل داده‌اند و دل گرفته‌اند، به وضوح می‌توان خواند.

در ایران نیز افکار و اندیشه‌های مائوئیستی که در سطوح مختلفی مختصات آنرا توضیح خواهم داد، بطور طبیعی رشد نمی‌کند، توده‌گیر نمی‌شود، در جامعه ریشه نمی‌دواند، برعکس، بطور مکنکی و توسط عناصر خاصی به عطلات و انگامهای جامعه ما تزریق می‌گردد.

با سوء استفاده اشغال مواضع و بیست‌های حاس، به ویژه تریبونهای اجتماعی و وسائل ارتباط جمعی، سعی در اشاعه و تبلیغ و تحمیل آن می‌شود. و به همین دلیل، علیرغم همه این تبلیغات رندانه و دست و پا زدن‌ها، هواداران این ایدئولوژی و نگارش، به بین وجود مادی و میدان نفوذ معنوی آنها، با امکاناتی که غصب کرده‌اند، در راه عمیق وجود دارد. و این امر بی دلیل نیست. برهان آن همان چیزی است که جرج هاردرخیلی از جاهای لنگ کرده و خاک در چشم انقلاب ریخته است.

هیچ نظریه و سیاستی، بدون زمینه نمی‌تواند در سیمای جامعه رخنه کند و دیده‌ها و اغراض مائوئیستی نیز از این قاعده مستثنی نیست. زمینه مساعد برای این اندیشه‌ها و اغراض، در درجه اول شناخت و ارزیابی اشتباه آمیز بخشی از مسئولان و متعینان جمهوری اسلامی ایران از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در مقیاس ملی و جهانی است. این اشتباه محاسبه، که در برخی اذهان به صورت نوعی پیشداوری درآمده، خود از یک سو تحت تاثیر تئوریهای مائوئیستی نظیر "سازش دوا بر قدرت" و "ترس از جهان" و

امثال آنست، و از سوی دیگر برای پناه دادن این نوع افکار و رخنه شدن مهره‌ها و عوامل نشردهنده آن در مواضع حاس اجتماعی و مقامهای دولتی جا باز می‌کند.

امروزه که طشت رسوائی امپریالیسم بر سر بام جهان به مدار آمده و آیدشو - لوزی بورژوازی امپریالیستی در محنه زندگی و آزمون عمل به ورشکستگی و فضاحت کشیده نظریه‌ها و شبه تئوریهای مائوئیستی برای امپریالیسم یک نیروی کمکی به موقع است. این شبه تئوریها بر آنست تا دره ژرفی را که بین سوسیالیسم انقلابی و امپریالیسم جهان بخوار وجود دارد، بیواتند و این دو نظام از ریشه متضاد را یکسان بنمایند. وقتی سوسیالیسم انقلابی با امپریالیسم فدا انقلابی هسان جلوه داده شد، مسئله سازش آنها برای تقسیم غنا نام جهان و سرکوب خلق‌ها، به خودی خود حل است. مائوئیسم، در نقش اسب تروای امپریالیسم، به همین حد قانع نیست. او پس از این تا نور تپنازی به اصطلاح تئوریک، پرده دوم را یازی می‌کند و نظریه عقونت بار "سه جهان" را پیش می‌کشد.

بر اساس این نظریه، دوا بر قدرت شوروی و آمریکا جهان اول، جهان محدود فدا انقلاب، کشتارگاه و حراجگاه خلقها هستند. اروپای غربی و ژاپن جهان دوم را تشکیل می‌دهند، که خود زیر چنگال دوا بر قدرت آنها قرار می‌گیرند و دوا بر قدرت آنها را در اختیار می‌گیرند. کشورها را در حال رشد، که منطقه انقلابی جهان را به وجود آورده‌اند برای رهایی از چنگ دوا بر قدرت، با یکبار اروپای غربی و ژاپن متحد شوند.

اما این تعبیه هنوز کامل نیست. شما همین که پذیرفتید دوا بر قدرت، هیچ تفاوت مابقی با هم ندارید و هر دو امپریالیست‌اند، بلافاصله به شما هشدار می‌دهند، که نکنند خطر این دوا بر قدرت را یک اندازه بدانید. زنهار که ابر قدرت شرق با اندوه جوانی است، در حالی که ابر قدرت آمریکا "بیرکاذبی" است، شیری پال و کویالی است، که پیرو فرسوده شده و چنگ و دندانش بکنند گراشیده است. این ابر قدرت میزبند دیگر ترس و خطری ندارد، پس همه آتشهای جهانی به سوی ابر قدرت شرق!

جل الخالق! حال این مائوئیسم رابر ضد انقلاب ایران می‌فهمید؟ می‌دانید در صورت تبعیت از این فسطه‌ها، کار ایران انقلابی به کجا می‌کشد؟ امپریالیسم انگلیس و آلمان غربی متحد و دوست می‌شوند، مصر انور سادات و عمان سلطان قابوس و عربستان ملک خالد و شاهزاده فهد و پاکستان ضیاء الحق و مراکش سلطان حسن و عراق صدام حسین و شیلی پینوشه و آرژانتین ویدالا، همه صورت کائوئیهای انقلاب جهان در می‌آیند، و آنوقت پرواضح است که اگر جمهوری اسلامی ایران دست در دست این رسولان انقلاب جهانی نگذارد و هم‌رنگ و هم‌راه آنها نشود، به انقلاب جهانی پشت کرده و تضا د عمده و نهائی را، که تمام دهمه جهان با ابر قدرت شرق است، لو ت کرده و آب به آسیاب ضد انقلاب ریخته است!

ساختگی بودن این شبه تئوری و ما هیت آن برای هر عقل سلیمی از روز روشن تراست. واقعیت بهترین مسجک است و تجربه کشورهای و انقلابهای مشابه ما خودبخود مطمئنی از واقعیت جهانی است. تئوریها و پیشداوریها و بافته‌ها و ساخته‌های ذهنی را به پیشگاه واقعیات زنده ببریم و در معرض قضاوت آموزشها و تجربه‌های برآمده از واقعیت قرار دهیم. حقیقت و تنها حقیقت است که می‌تواند تکیه‌گاه و ملاک داوری ما باشد. حتی اگر نخواهیم از این واقعیت روشن گسراز آفتاب عبرت بگیریم و بیاییم موزیم که در حال حاضر تمام دسیسه‌ها از ما نسبت امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، تدارک می‌شود و تمامی وسائیل ارتباط جمعی را سرچهمان امپریالیستی، علیه انقلاب ایران و لجن بافی به آن بسج شده و تنها منابع دفاع جهان از انقلاب ایران، احزاب کارگری و کمونیستی و رمانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی و ممالک مترقی فدا امپریالیستی است.

ره نمود شخصیت‌های انقلابی و ملی خود بهترین قطب نماست: جمال عبدالناصر: "مناسباتی که با روسها داریم، در نوع خود بی نظیر است. آنها نمی‌تواند قروض ما را بخشیده‌اند. آنها در پرده اختیاری ما تسهیلاتی قائل شده‌اند. آنها حتی

کوشش نمی‌کنند که قضاوت ما را تحت تاثیر قرار دهند... ممکنست شما تعجب کنید، ولی روسها هرگز در "ازا" پشتیبانی چیزی از ما نخواستند.

(از معا حبه با لوموند، فوریه ۱۹۷۰)
له‌دوان، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام:
"مردم ویتنام در تمام مراحل بر از رنج و محرومیت و در عین حال همراه بسا قهرمانیهای درخشان مبارزات نیم قرن خود... پشتیبانی قطعی و کمکی فراوان و بی‌ارزش مردم شوروی را احساس کرده‌اند."

یا سرعزفان، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین:
"اگر ما امروز در مبارزه عادلانه خلق فلسطین به مواضع شوروی اتکا می‌کنیم، بدان جهت است که این مواضع بازتاب در ستین انقلاب اکثر است."

هواری بومدین، رئیس جمهور فقید الجزایر:
"همبستگی موثر اتحاد شوروی با مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم آمریکا، به احقاق حقوق قفقشوره‌های عرب... کمک فراوان می‌کند."

عبدالسلام جلود، عضو شورای انقلاب و نخست وزیر لیبی:
"من میخواهم بار دیگر اهمیت و ارزش فوق العاده پشتیبانی و کمکی موثر اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی را به نیروهای انقلابی و ترقیخواه تأیید کنم. شوروی در پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش ملی و انقلاب اول سیتامبر (لیبی) شرکت داشته و همواره طرفدار نیروهای است که در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مبارزه میکنند."

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا:
"صرف وجود اتحاد شوروی مانعی برای ما جرابویسی نظامی نیروهای تاجا و زکار امپریالیستی است. اگر چنین نبود، مدتها بود که آنها برای تقسیم جهان بین خود نقشه کشیده بودند و از تاجا و زب کتور-ها دیگر، که دارای نفت و مواد خام مهم دیگر هستند، ایایی نداشتند."

این نمونه‌ها، فقط مشت از خروار است، و گرنه ذکر همه این مثنوی هفتاد من کاغذ شود. این اظهارات و نظایر پر شمار آن، تعارف و نمانند ترضی دادن نیست. حقایقی است که زندگی و مبارزه طولانی آنرا متبلور و بارور کرده است. دروغ و معامله‌گری در شان انقلابها و رهبران آنها نیست و این جملات بیایم انقلابها و رهبران خلقی از آب و آتش گذشته آنهاست.

ما به حکم مصالح انقلاب، که سرنوشت و مصلحت توده‌هاست، نمیتوانیم وصق ندا ریم که در سها و آزمونهای تاریخ را ندیده بگیریم، ذهنیات خود را بر واقعیات عینی مقدم بداریم و به بیهای رنج و خون فرزندان انقلاب، آزموده‌ها را دوباره بیایم زما شیم. چنین شیوه‌ای ناشی از غرور و خامی و خودبزرگی بینی است. ما مرکز کائنات و تاریخ نیستیم، جزئی از آتیم

و قانوندهیهای تاریخ درباره مسما همانند... میکنند که درباره دیگران کرد

حرف کردن واقعیت چیزی از واقعیت کم نمی‌کند، فقط سرما را به سنگ میزند. بیکی دانستن سوسیالیسم انقلابی، متحد عینی هم خلقها و انقلابها، با امپریالیسم آدمخوار، دشمن همه خلقها و انقلابها، نمونه خطرناک و زیانباری از حاشای واقعیت است.

خرده‌گیران ممکنست بپرسند: چه دلپسینی دارد که سوسیالیسم جهانی برای یاری به خلقها و انقلابها از خود ما به بگذارد؟ جواب این پرسش و شک را جمال عبدالناصر رهبر فقید مصر، که خود از خصومت خونین با سوسیالیسم آغا ز کرد و به اتحاد تنگنا تنگ با آن رسید، به خبرنگار لوموند داده است: "به این دلیل ما، که آنها هم مثل ما دشمن امپریالیسم‌اند و ترجیح میدهند که ما را مستقل ببینند، تا اینکه در زیر یوغ آمریکاییها و انگلیسی‌ها."

همین دو هفته پیش، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در معا حبه با خبرنگار رعدای جمهوری اسلامی گفت که، شوروی میگوید قیمتی را که ایران برای فروش گاز خود پیشنهاد کرده، گرانتر از قیمتی است که خود ما گاز را به اروپا می‌فروشیم. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تأکید کرد که البته شوروی گاز خود را ارزانتر از قیمت‌های بین‌المللی به اروپای شرقی می‌دهد و این قیمت برای ما ماخذ نیست.

ما فعلا کاری به فروش یا عدم فروش گاز به شوروی نداریم. اما می‌پرسیم: آیا همین تصریح و تأکید، خود بهترین وجه معرفت ما هیت مناسبات کشورهای سوسیالیستی نیست؟ اگر شوروی حمله امپریالیستی داشت، روابط همچون آمریکا و اروپای غربی و ژاپن امپریالیستی با بدبرسود یکجانبه و چپاول و تحمیل استوار باشد. سلطه سیاسی خود در آنها بت ابرار سلطه اقتصادی است. این چگونه امپریالیستی است که بجای غارت - با مطلاع معاندان - "اقمار" خود، کالای خود را به قیمتی ارزانتر از قیمت‌های جهانی به آنها می‌فروشد؟

این چگونه امپریالیستی است که مغبون شدن در برابر دوستان و خلقهای انقلابی را بر مغبون کردن آنها ترجیح میدهد؟ این چگونه امپریالیستی است که ۴۰ میلیارد دلار کمک همه جانبه خود را به ویتنام و قهرمان در طی سالهای جنگ آزادیبخش، بلاعوض اعلام می‌کند؟ این چگونه امپریالیستی است که نیمی از دیون سنگین مصر جمال عبدالناصر، یعنی مصر انقلابی را بصورت هدیه‌ای به خلق مصر، که درگیر جنگ تحمیلی با اسرائیل غاصب است، می‌بخشد؟

این چگونه امپریالیستی است که با سرعزفان کمکیهای مادی و معنوی بی‌شمه داشت آنرا در مبارزه عادلانه خلق فلسطین بزرگترین کمک به انقلاب فلسطین می‌شمارد؟

این چگونه امپریالیستی است که از جنبش سیاهان سواپو و رزم‌وران رودیا تا انقلابیون طفان، از کمکیهای بلاعوض آن برخوردارند؟

این چگونه امپریالیستی است که کمک به نهضت‌های آزادیبخش و ضمه امپریالیستی جهان رقم سنگینی از بودجه آنرا تشکیل میدهد و میلیونها جوان آن برای کمک بیشتر به انقلابها، روزهای کار رایگان دارند؟

این چگونه امپریالیستی است که بقول رهبران انقلاب فلسطین، هر جا خلقی برای آزادی بیخاسته، اسلحه شوروی را در دست خود یافته است، و بقول رهبران ویتنام، سیاست همواره پشتیبانی مپا رزان اصیل چهار گوشه دنیا بوده است؟

با همه رهبران برجسته با شکوه‌ترین انقلابها و نهضت‌های رها بی‌بخش عمر ما تزویر می‌کنند؟ آیا همه آنها، با لجن مال کردن حمله و چهره انقلاب و خلق خود، به جهان دروغ می‌گویند؟

امپریالیسم یک لفظ خشک و خالی نیست، معنی و محتوی دارد و معنی و محتوی آن، در سرشت غارنگر، تاجا و زکار، جبار و ضمد پیشرفت و پیشرفت از منکس است. نیرویی که در کنار خلقها و انقلابها است دیگر نمی‌تواند امپریالیست باشد و دیگر با خلقها و انقلابها آتش به یک جوی نمی‌رود. درک یا عدم درک این نکته برای انقلاب ایران و رهبران و مسئولان و مجریان دولتی آن، اهمیت تعیین کننده دارد. زیرا تنها بر شا لوده این درک است که میتوان مرز مشخصی بین دوستان و دشمنان کشید و دروای الفاظ بزرگ کرده و تئوریهای بظا هرا انقلابی، از بپرا رفتن، از در غلتیدن به دام مهسا و افسونهای بفرنج خم تاریخی، از هدر دادن بیهوده نیروها و امکانات و طولانی کردن روند در دو دشواری انقلاب اجتناب کرد، و در عین حال جلوی رخنه عوام مسل رنگارنگ دشمن را به درون انقلاب گرفت.

انقلاب ما با همه انقلابهای خلقی و رها بی‌بخش و جبهه مشترک بسیار دارد و به همین دلیل در این سیرورتناقص و آمیخته به سختی و ایهام، به تجربه‌ها و سرمشق‌های آنها نیازمند است. غفلت از این تجربه‌ها و کننا رگشیدن از دیگر خلقهای انقلابی، ما را به انزوا میکشد و انزوائ ایران انقلابی، رویای شیرین امپریالیسم است.

تجربه امپریالیسم به او می‌مورد که برای درهم شکستن یک انقلاب، نخست باید آنرا منفر د کرد. مگر این تجربه به عیان در نامه محرمانه برزینسکی، مشاور امنیتی کاتر، به وزیر خارجه سابق آمریکا منعکس نیست؟

مگر این دستور العمل بطور مشخصی نمی‌گوید:
"رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خود ما توسط اتحاد شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد؟"

وقتی امپریالیسم مگر از زهمه مکانات و تجربیات فدا انقلابی جهان در حد اکثر آن بهره میگیرد، چرا انقلاب ما نباید از تجربه‌های تلخ و شیرین دیگر خلقها و انقلابها خود را روئین سازد و رخنه‌ها و ضعفهایش را ترمیم کند؟

یکی از وسایل بر طرف کردن این رخنه‌ها و ضعفها، اقامه و طرده همه آن شبه تئوریها و شکردهایی است که با انواع دوز و کلک و چشم بندی، انقلاب را از حمله و محتوایش غافل میکند و به سوی ناکجا آبادهای تخیلی و با تلاقهای سیاسی ناک میهد. برای اینکه از شر این تخیلات و تئوریهای فی‌های ظا هر - فریب معون بمانیم، به واقعیت چشم - پیه در صده ۶

هشدار وزارت کار و امور اجتماعی به مالکین واحدهای تولیدی را کد مانده را چگونه تلقی کنیم؟

معاون اشتغال و بهر موری وزارت کار و امور اجتماعی، در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری پارس، مسائل مهمی را پیرامون تعداد واحدهای تولیدی را کد مانده، اهمیت آنها و علل رکود این موسسات تا بحال عنوان کرده است. بیان این اطلاعات، که ما در پایین به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم، واقعا واجد اهمیت است و نشان میدهد که یکی از جنبه‌های خرابکاری ضدانقلاب علیه انقلاب سند امیربالیستی و خلقی ما در کیست.

اما جالب اینست که معاون وزارت کار و امور اجتماعی، ضمن بیان اطلاعاتی کاملا افشاکننده در مورد واحدهای تولیدی را کد مانده، اتخاذ تصمیماتی را اعلام می‌دارد که، نه فقط کمکی به رامانداختن نوری این واحدها نمی‌کند، بلکه بقول معروف، آب به آسیاب همان کسانی میریزد که، بخاطر مقاصد سودجویانه و ضدانقلابی خود، یکجبهه‌ای از تولید کشور را تا بحال محفل نگاه داشته‌اند. به اطلاعات افشائی معاون وزارت کار و امور اجتماعی و تصمیمات متخذه در «حل» مسئله مهمی نظیر راماندازی واحدهای تولیدی را کد مانده توجه کنیم.

قبل از همه، معاون اشتغال و بهر موری وزارت کار و امور اجتماعی اعلام میدارد که، طبق برآورد آن وزارت-خانه، مقدار واحدهای تولیدی را کد مانده، یا دقیقتر گفته شود، را کد نگاه داشته شده، به ۱۰۰۰ واحد میرسد که بیشتر آنها متعلق به بخش خصوصی است. در مورد اینکه این هزار واحد چگونه واحدهای تولیدی است، معاون وزارت کار و امور اجتماعی وضع یکی از آنها را مثال می‌آورد.

چنانکه معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید کارخانه خزرخیز در شیر تکاب، یکی از واحدهای تولیدی را کد مانده است. در این کارخانه، که آماده بهره‌برداری است بگفته معاون وزیر کار و امور اجتماعی، بیش از ۱۰۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده و با برآوردی از آن بیش از ۱۰۰۰ کارگر می‌توانند مشغول بکار شوند. معاون وزیر کار و امور اجتماعی رسماً اعلام می‌دارد که، نظیر کارخانه فوق به تعداد زیاد وجود دارد، کسه مالکان آنها علاقه‌ای به راماندازی واحدهای خود ندارند. معاون وزیر کار و امور اجتماعی به درستی خاطر نشان می‌سازد که، علت را کد ماندن کار این واحدهای تولیدی، انحراف عسری سرمایه‌داران و ضدانقلاب در کار احیاء چرخ تولیدی کشور است. معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید:

«نظر اینکه بعد از انقلاب اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور دگرگون شده، بسیاری از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع از ادامه کار صنایع خود و یا تکمیل واحدهای تولیدی در دست ساخت متصرف شدند، چون دیگر سود و منافع سرشاری که در گذشته انتظار داشتند نمی‌توانستند در جمهوری اسلامی ایران بگنجانند. همین دلیل اکثر صاحبان صنایع یا کشور را ترک نمودند و یا در داخل کشور ماندند، ولی واحدهای صنعتی را بحال خود رها نمودند.»

به اظهارات فوق نمی‌توان چیزی اضافه کرد، جز آنکه خاطر نشان سازیم، کارشکنی ضدانقلاب در احیاء صنایع تولیدی در ایران پس از پیروزی انقلاب، به این نرسیده که آقای معاون وزیر کار و امور اجتماعی از آن نام می‌برند نیست.

واقعیت اینست که، نه تنها مجروحیت از سود و منافع سرشار، بلکه مخالفت علنی با انقلاب، قرار گرفتن در صف ضدانقلاب و پیروی از سیاستهای مشخص امیربالیستی در زیرمردن به اقتصاد جمهوری اسلامی است که اکثر سرمایه‌داران را به خودداری از راماندازی چرخ صنایع و را کد نگاه داشتن بیش از هزار واحد تولیدی، آنگاه در سطح کارخانه‌ها نظیر خزرخیز، تشویق و ترغیب می‌کند.

اما بهر حال، تا اینجا می‌توان با معاون وزیر کار و امور اجتماعی موافق نبود که، پرداختن به حل یک مسئله بسیار مهم نظیر راماندازی هزار واحد تولیدی، که در اغلب آنها می‌تواند بیش از هزار کارگر بکار گرفته شود، حتی پس از آنکه یکسال و نیم از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران می‌گذرد، همچنان در بوته تمویق و اجمال باقی مانده است.

ضرورت راماندازی فوری این واحدها امریست که تاخیر بردار نیست، و در این مورد هم باید با اظهارات معاون وزیر کار و امور اجتماعی هم‌آهنگی کامل داشت.

اما از همین جا پیداست که دیده میشود، تصمیماتی که وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان طرح راماندازی واحدهای نیمه‌تمام و متوقف تهیه کرده و به تصویب شورای انقلاب رسانیده است، نه تنها کمکی به راماندازی سریع این واحدها نمی‌کند، بلکه عملاً زمینه را برای ادامه کارشکنی کارفرمایان و سرمایه‌داران بزرگ در جلوگیری از بکار افتادن چرخهای صنایع تولیدی فراهم می‌آورد. خولندگانی که از طرح تنظیمی وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع ندارند و با آنچه درباره واحدهای کد مانده به اعتراضات مقامات رسمی، تا بحال را کد نگاه داشته‌اند، آشنائی حاصل کرده‌اند، فعلاً قبل از هر چیز تصور می‌کنند که، وزارت کار و امور اجتماعی طرح ملی کردن فوری این واحدها را به اجرا گذاشته است. زیرا فی الواقع هم چگونه می‌توان کارخانه‌ها نظیر کارخانه خزرخیز را با یک میلیارد ریال سرمایه و ظرفیت بیش از هزار نفر کارگر جزو صنایع کوچک بشمار آورد، که بتوان مسئله اداره آنها بصورت تعاونی پیش کشید؟

همچنین چگونه می‌توان انتظار داشت کارخانه‌هایی که روشن است بملت کارشکنی سرمایه‌داران و انحراف در امر صنایع تولیدی کشور از جانب صاحبان آنها، مدت یکسال و نیم پس از انقلاب را کد نگاه داشته شده‌اند، بدست همان سرمایه‌داران بکار انداخته شوند و به بهره‌برداری درآیند، بخصوص آنکه معاون وزیر کار هم اذعان دارد که، اکثر صاحبان این صنایع یا کشور را ترک کرده و یا در داخل مانده‌اند و همچنان از بکار انداختن کارخانه‌ها خودداری کرده‌اند؟

در چنین شرایطی، وزارت کار و امور اجتماعی بدون تردید می‌بایست لایحه سلب مالکیت از سرمایه‌دارانی را

که بعد در کار صنایع تولیدی کشور، آنگاه در شرایط محاسره اقتصادی و تحریکات نظامی امیربالیسم، بسر-کردگی امیربالیسم آمریکا، انحراف می‌کنند، تهیه میکرد و هنگامیکه که خود مسئولین آن وزارتخانه اعتراض دارند، ۶۰۰ واحدی را که مشخصات کامل آن را شناسائی کرده‌اند، بکار می‌انداخت.

اما وزارت کار نه بدینال این تصمیم، بلکه بدینال تهیه و تصویب طرحی رفته است که، اطمینان خاطر بیشتری نسبت به ادامه کارشکنی در راماندازی واحدهای صنعتی تولیدی، در سرمایه‌داران آزمندی که بزین انقلاب عمل می‌کنند، ایجاد می‌نماید.

طبق طرح تصویبی وزارت کار و امور اجتماعی، به صاحبان هزار واحد تولیدی را کد نگاه داشته شده، اولاً دو ماه دیگر وقت داده میشود، تا سر لطف بیایند و کارخانه‌ها را برای راماندازی، و اگر لازم باشد، وزارت کار حاضر است «ملت فوق‌العاده را افزایش دهد» ثانیاً وزارت کار به مالکینی که بعد تا به امروز از احیاء فعالیت واحدهای مهم صنعتی خوداری کرده‌اند، پیشنهاد می‌کند که در اداره این واحدها بصورت تعاونی شرکت کنند و از «اولویت خاصی» که وزارت کار برای آنها قائل شده، استفاده نمایند. ثالثاً وزارت کار صاحبان سرمایه‌ها را مطمئن می‌سازد که، آنها پس از بهره‌برداری، بسایر واحدهای خود را با تمام دریافت خواهند کرد.

تازه مزایایی که برشمرده‌ایم، بهترین مزایایی نیست که وزارت کار و امور اجتماعی برای سرمایه‌دارانی قائل شده، که بگفته معاون وزیر، یا کشور را ترک کرده‌اند و در خارج علیه انقلاب فعالیت می‌کنند و یا در داخل کشور باقی مانده‌اند و با را کد نگاه داشتن واحدهای مهم صنعتی، ضریات جدی به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد می‌سازند. مزیت عمده و اساسی که وزارت کار و امور اجتماعی به این نوع سرمایه‌داران داده، اینست که، در پناه طرح تعاونی کردن، کارخانه‌ها با هزار میلیون ریال سرمایه و بیش از یک هزار نفر کارگر را در ردیف صنایع کوچکی قلمداد کرده که می‌توانند در مالکیت صاحبان آنها باقی بمانند و احیاء به شیوه تعاونی و طبق مقررات شرکتهای تعاونی مصوبه شورای انقلاب اداره شوند. ولی مقررات شرکتهای تعاونی مصوبه شورای انقلاب، مورخه ۱۱/۱۱/۵۸، به هیچوجه شامل حال واحدهای یا میلیاردها ریال سرمایه و هزاران کارگر نمی‌شود بدینسان طرح راماندازی واحدهای نیمه‌تمام و متوقف وزارت کار و نیمه-های اجتماعی عملاً پوششی است برای فرار مالکیت‌های عسری سرمایه‌داران از ملی شدن، آنگاه سرمایه‌هایی که صاحبان آنها، بنا بگفته خود مقامات وزارت کار «تعمالی» به تکمیل و راماندازی این واحدها را ندارند.

تکیه بر این اصل که، اقدامات وزارت کار و امور اجتماعی باید «با ضابطه و رعایت کلیه اصول شرعی و قانونی مالکیت این واحدها صورت گیرد، نمیتواند این واقعیت را، که وزارت کار و امور اجتماعی مالکیت‌های بزرگ سرمایه‌داری وابسته را عملاً زیر چتر حمایت خود

گرفته، پوشیده دارد. وزارت کار و امور اجتماعی همچنین با طرح تصویبی خود واحدهای صنعتی عظیمی را که در سطح کشور دارای اهمیت است و راماندازی فوری آنها از نظر تقویت مبانی اقتصادی جمهوری اسلامی فوق‌العاده ضرورت است، به سطح واحدهای صنایع کوچکی که با تشکیل شرکتهای تعاونی در این اواخر احیاء ایجاد شده و میشوند، یائین آورده، کار راماندازی آنها را به مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی وابسته به استانداریها واگذار کرده است. این شیوه برخورد نه تنها با امر مهم راماندازی موسسات عظیم صنعتی تولیدی، که باید بطور متراکز و زیر نظر مستقیم وزارت صنایع و معادن، از حالت رکود درآید، مخایر است، بلکه راه و شیوه دیگری برای مصون داشتن آنها از ملی شدن و بی‌ماندن در اختیار سرمایه‌داران وابسته، تحت عنوان صنایع کوچک و بی‌اهمیت است.

از این مسائل عمده و اساسی که بگذرد، طرح وزارت کار بجای آنکه مبتنی بر راماندازی صنایع متوقف شده باشد، متضمن تأمین سود هنگفت برای صاحبان سرمایه این صنایع است. طرح وزارت کار واحدهای تولیدی را کد مانده را بکار نخواهد انداخت، اما این طرح صاحبان سرمایه این واحدها امکان می‌دهد که باز هم به میلیاردها تومان سرمایه دولت، تحت عنوان دریافت کسکه چنگ بیاندازند و این سرمایه‌های نقدی را مانند اصل سرمایه کارخانجات بخارج انتقال دهند.

هاتطور که روزنامه جمهوری اسلامی بدرستی متذکر میشود، طرح وزارت کار در مورد راماندازی صنایع متوقف شده «بیش از آنکه انگیزهای باشد جهت... راماندازی این واحدها، صاحبان آنها را بیشتر در جهت تکمیل واحدهای خود ترغیب می‌کند».

بهین جهت روزنامه جمهوری اسلامی بدرستی پیشنهاد می‌کند که سرمایه مربوطه «این نوع کارخانه‌ها» بفتح دولت ضبط شود.

را کد نگاه داشتن کار بیشتر از هزار واحد صنعتی تولیدی با مشخصاتی نظیر کارخانه خزرخیز امری نیست که بتوان همچنان نسبت به حل سریع آن لایق باقی ماند و یا کار را به دادن سهل و تشویق سرمایه‌داران وابسته به راماندازی این واحدها واگذار کرد. این کار بسیار مهم مملکتی است که از نظر بکار افتادن چرخ صنایع مملکت و تولید کار، حد متوسط برای نیم ملیون کارگر، از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

بکار انداختن سریع واحدهای تولیدی که سرمایه‌داران انحراف گر و وابسته به امیربالیسم و ضدانقلاب پند آنها را متوقف نگاه داشته‌اند، از مسائل عمده تثبیت پیروزی انقلاب و غنیمت گذارتن توسط امیربالیسم چنانستکار و سرسپردگان ابراسی آن در داخل کشور است. به امور مهم مربوط به سرانجام انقلاب نمیتوان لایق و بی‌انتا نگاه کرد. این امور باید با قاطعیت انقلابی و بر پایه تأمین منافع عموم خلق سرعت و با فوریت حل و فصل گردد.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در اتریش: از هم‌میهنان دعوت می‌کنیم که بدفاع از دانشجویان مبارزه ایرانی مقیم امریکا برخیزند

هم‌میهنان و دانشجویان مبارزان در هر کجا که هستید و یا هر وسیله که در اختیار دارید، ندای اعتراضی خود را علیه افعال دست‌انته امیر-بالیسم آمریکا و پلیس فاشیست آن در مورد دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا بلند کنید. هم‌میهنان عزیز! در هر کجا که هستید، در محیط کار و زندگی و تحصیل، تمام کوشش خود را در راه شناساندن انقلاب ضد امیربالیستی و خلقی مردم ایران (به گفته امام خمینی انقلاب مستمندان) به‌جهانیان بکار برید.

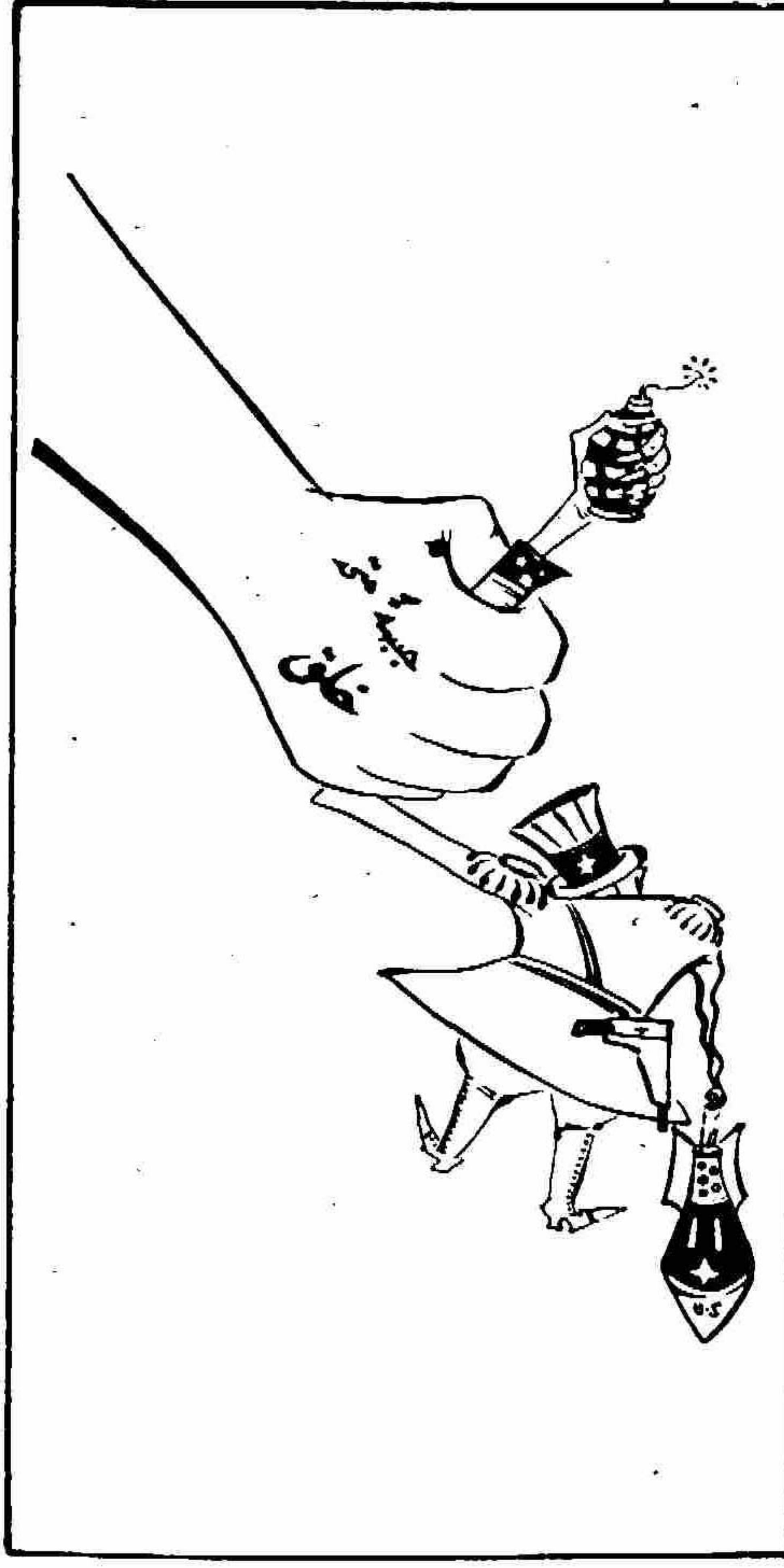
چرند ایران پس از سرنگونی رژیم خونخوار و سفاک پهلوی به مبارزه خود علیه امیربالیسم جهانی، یسه سرکردگی امیربالیسم آمریکا و عمال آن در ایران ادامه میدهند در این دوران صفتبندی نیروها هر روز مشخص‌تر میشود و وظیفه هر ایرانی وطن‌دوست آن است که امروز هر چه بیشتر در راه معرفی افعال وحشیانه امیربالیسم آمریکا علیه مردم ما کوشا باشد.

از یکسو نیروهای خلقی بهربری امام خمینی، از انقلاب سرسختانه دفاع می‌کنند و ازسوی دیگر عناصر و مهربانان ارتجاع از بزرگ-سرمایه‌داران و بزرگمالکین گرفته تا ساواک‌های سابق و گروهک‌های

حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب: درمقابل تهدیدات امیربالیسم آمریکا، انقلاب به همدلی و همکاری نیروهای انقلابی نیاز دارد

حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب، درارتباط با تصفیه‌ها و پاکسازیهای که در آموزش و پرورش این شهرستان انجام گرفته و می‌گیرد، اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به عملکرد غیرانقلابی و سازشکارانه دولت موقت در زمینه اخفاء و دستگیری مزدوران ساواک و عوامل ضدانقلاب، آمده است: «... خوشبختانه رهبری قطع امام خمینی و توان و شور انقلابی توده‌های مستضعف و وجود عناصر صریح و انقلابی از روحانیت مبارز و سایر اقلات و گروهها و احزاب وفادار به انقلاب، مانع از آن شد که انقلاب در سرانجام سقوط آفتد. اکنون، که اینجا و آنجا فرست اساسی ساواکیه افشاء می‌گردد، حق این است که مسئولین در اسرع وقت در راه انتشار لیست ساواکیهای شهرستان و استان بکوشند و با شناسائی و تعقیب ساواکیها و چاق-داران آریامهری و بختیاری، امکان هرگونه فرستطلبی و تغییر رنگ را از آنان سلب کنند...»

آنطور که دیده میشود، اداره آموزش و پرورش اسلام‌آباد غرب نمدای از عناصر و صحنه‌گردانان رژیم گذشته را مشغول پاکسازی قرار داده است و این جای خوشوقتی است. اما آنچه نگرانی برمی‌انگیزد، وجود برخی افراد صدیق و مومن به



اتحادیه دهقانان چیست

و چرا باید آن را تشکیل دهیم؟

با نهادهای انقلابی و دولتی این خواست‌ها را عملی سازند

در اتحادیه دهقانان همه اعضای اتحادیه باید با هیئت مدیره اتحادیه، که خودشان انتخاب می‌کنند، همکاری کنند تا کار از پیش برود.

برای تشکیل اتحادیه دهقانان چه باید کرد؟

هرکدام از ما باید با اعضای خانواده و آشنایان و دوستان خودمان درباره اتحادیه صحبت کنیم. بعد، روزی یا شبی قرار بگذاریم و در محل مناسبی - مثلا در مسجد ده، یا مدرسه یا هر جای دیگر - دور هم جمع شویم و منظور از تشکیل اتحادیه را کاملا روشن کنیم. هر قدر بیشتر افراد فعال، که به تشکیل اتحادیه دهقانان علاقمندند، در این جلسه شرکت کنند، بهتر خواهد بود. براساس خواست‌هایی که دهقانان مطرح می‌کنند، اساسنامه اتحادیه را می‌نویسیم و بعدا در اولین فرصت کلیه دهقانانی را که علاقمند و داوطلب باشند، دعوت می‌کنیم، تا در جلسه "جمع عمومی اتحادیه دهقانان" حاضر شوند و اساسنامه را تصویب کنند. در این جلسه هیئت مدیره اتحادیه و رئیس اتحادیه را انتخاب می‌کنیم و قول می‌دهیم که در پیشرفت کار اتحادیه به آن‌ها، تا آنجا که می‌توانیم، کمک کنیم و اتحاد خودمان را حفظ کنیم.

شورای ده، که دارای مقدرات اجرایی و امکانات و اختیارات است، باید از منافع مشروع اتحادیه دفاع کند و برای تامین خواستههای اتحادیه از هیچ کوششی مضایقه نکند. اتحادیه دهقانان هم وظیفه دارد که از شورای مردمی ده حمایت و پشتیبانی کند و پیشنهادها و خواستههای دهقانان را به شورا بدهد و با آن همکاری صمیمانه کند و در بسیج نیروی دهقانی برای خودیاری و اجرای تصمیمات شورای ده بکوشد.

* اگر متحد باشیم موفق خواهیم شد.

* اتحادیه دهقانی خود را تشکیل دهیم.

به تشکیل تعاونی‌های خود برای تولید و مصرف و فروش کمک کنیم.

- برای بدست آوردن محصول بیشتر و مرغوبتر، از راه گرفتن وسائل کشاورزی، مانند تراکتور و کمباین و نیز بذر مرغوب و کود و اعتبارات مالی و وام تولیدی با شرایط مساعد.

چرا باید اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهیم؟

هیچکدام از ما به تنهایی نمی‌توانیم به این خواسته‌های مشروع و به حق خود برسیم. ولی هرگاه متحد باشیم، حرف ما در رو خواهد داشت و ما به همه خواسته‌های خود، به همه حقوق حقه خود خواهیم رسید. پس بیایید در هر جا که هستیم اتحادیه دهقانان ده خود را تشکیل دهیم. با نیروی اتحادیه‌های دهقانی می‌توانیم با شورای ده، که خیلی مهم است و دارای اختیارات و امکانات اجرایی است، با ادارات دولتی و با نهادهای انقلابی، بخصوص جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، تماس بگیریم، حق خود را بخواهیم و خواسته‌های خود را مطرح کنیم. بگذشت صدا ندارد. اما اتحادیه، صدای متحدان است، که در جامعه انقلابی ما شنیده خواهد شد.

اتحادیه دهقانی چیست؟

اتحادیه دهقانان، یعنی این که دهقانان زحمتکش بکروستا، یا چند روستای نزدیک بهم، که بخواهند به هدف‌هایی که گفتیم برسند و میل داشته باشند که برای رسیدن به خواسته‌های مشروع و برحق خود همکاری کنند، با هم متحد شوند و براساس خواسته‌های مشروع و مبارزه قانونی و طرح و تنظیم خواسته‌ها و اشتراک مساعی

دهقانان عزیز!

انقلاب پرشکوه ما به رهبری امام خمینی هر روز بیشتر گسترش می‌یابد و بر بیکر پلید شیطان بزرگ - امریکای جنایتکار - زخمهای کاری تر و وارمیکند ولی شیطان بزرگ و نوکران و همدستان داخلی او، یعنی ضدانقلاب، بیکار نیستند و هر روز و هر ساعت به توطئه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه جدیدی دست می‌زنند.

- مالکان و سرمایه‌داران بزرگ ارضی و همدستان آنها، از روزی که فهمیدند طبق قانون باید زمین‌های غصبی آنها مصادره شود و به دهقانان تهییدست، که آباد کننده زمین هستند، واگذار گردد، در روستاها بر دامنه شطنت‌ها و دسیسه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه خود افزودند و سعی می‌کنند از اجرای قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند. آنها موتورهای جاهل‌های آب، تراکتورها و ماشینهای کشاورزی را خراب می‌کنند، مزارع را ویران می‌سازند، کود و بذر را می‌برند و غارت می‌کنند، حتی خرمن‌ها را آتش می‌زنند، بین دهقانان دودستگی و دعوا راه می‌اندازند و عمال خود را، اعم از چاق‌دار یا روحانی‌ها، به میدان می‌فرستند.

دهقانان عزیز! ما در این شرایط وظیفه داریم که از انقلاب بزرگان و از زندگی خودمان دفاع کنیم و نقشه‌های ضدانقلاب را نقش بر آب سازیم و بهانه‌های آن را بگیریم. کشاورزی را شکوفان کنیم و بوضع ده و زندگی خودمان سرور صوری بدهیم. ما زمانی موفق خواهیم شد که متحد شویم، و برای این کار، اتحادیه‌های خود را تشکیل دهیم. چرا ما دهقانان زحمتکش باید متحد و یکپارچه باشیم؟

- برای پیروزی در مبارزه بر ضد شیطان بزرگ امریکا و شیطانکهای دست‌نشانده آن، برای رهائی از ظلم و ستم بزرگ مالکی، برای مبارزه با سلف‌خوان و دلالان و واسطه‌های سودجو و راجواریان، برای آنکه بتوانیم برادروار کار و زندگی کنیم،



تمام ثروت این بیروزن روستائی همان بقیه‌ایست که بر روی سرش، هنگام برگشت از یکشنبه‌بازار، حمل می‌کند. محتوی این بقیه مقداری کار دستی و کالاهای ارزان‌قیمتی است که در یکشنبه‌بازار کیاکلا (قائم‌شهر) عرضه شده‌است. سالخوردگان کشور، بعد از سالها تلاش و کار، باید از بیمه و زندگی راحت برخوردار باشند.

زمینه فعالیت ضدانقلاب را با هویشاری و قاطعیت باید از بین برد به خواسته‌های بحق مردم بندر دیلم رسیدگی کنید

بندر دیلم یکی از بخش‌های استان بوشهر است، که تمام و کمال مهر عقب ماندگی میراث رژیم شاه سابق بر سر خود دارد.

در میان تمام عقب ماندگی‌های این شهر، باید از جمله از خرابی عظیم وضع آب و برق نام برد. از اول تابستان، مردم دیلم در هر ۲۴ ساعت، سه ساعت برق داشتند، که اخیراً "برای خراب شدن آخرین ژنراتور مولد برق، شهر در بی برقئی کامل بسر می‌برد. نبودن برق باعث شد، که به‌خ‌نیز در شهرتایا بگردود در این تابستان داغ جنوب زندگی مردم شهر به کلی فلج شود. اخیراً "از طرف بخشدار و جهاد سازندگی بندر دیلم تصمیم گرفته شد که از برق سرتاسری سدهز برای بندر دیلم استفاده کنند. اولین منظور در هدا حداث تیرهای برق برآمدند. متعاقب آن زمینداران کلان و بازرگانان بزرگ، که هیچ نظر خوشی به انقلاب ندارند، در هدا سوء استفاده از این وضع برآمدند و با توجه به خواست روستائیان مبنی بر داشتن برق، آنها را تحریک کردند که جلوی احداث تیرهای برق را بگیرند. ضدانقلاب کوشید که به دهقانان اینطور وانمود سازد، که دولت به هیچ وجه در فکر آنها نیست و برق را فقط برای شهر می‌خواهند.

از طرف دیگر تعدادی از نیروهای ضد انقلابی در بندر دیلم در هدا تحریک بیشتر مردم برآمده‌اند و می‌کوشند مردم شهر و روستا را به جان یکدیگر بیندازند. ماضن محکوم کردن این توطئه‌های ضدانقلاب، از مقامات مسئول مملکتی می‌طلبیم که به خواست به حق مردم دیلم و روستاهای اطراف رسیدگی کنند و نگذارند که در این گرمای طاقت‌فرسای تابستان جنوب، بیش از این به مردم رنجیده دیلم فشار وارد آید. نیا بدگذشت که عوامل امپریالیسم امریکا، زمینداران بزرگ و گروهکهای ضد انقلابی از این وضع مردم دیلم - سوء استفاده کنند. باید با بر آوردن خواست‌های به حق مردم دیلم و روستاهای اطراف، زیر پای ضدانقلاب را خالی کرد و زمینه هرگونه فعالیت در جهت تضعیف انقلاب را از بین برد.

مسائل دهقانان از زبان وکلای مجلس حجت الاسلام محسن رهامی نماینده خدا بنده

آقای حجت الاسلام محسن رهامی، نماینده خدا بنده در مجلس شورای اسلامی ایران، ضمن گفتگویی با خبرنگار کیهان ضمن تشریح موقعیت جغرافیایی خدا بنده، پاره‌ای از مشکلات دهقانان حوزه انتخاباتی خود را مطرح و گفت: "منطقه مایگی از مناطق فراموش شده مملکت است، بطوریکه وقتی مژدر مجلس اظهار داشتیم نماینده خدا بنده هستیم، عده‌ای حتی نمی‌دانستند که خدا بنده کجاست. منطقه ما - منطقه محرومی است بین ابهر - زنجان - بیجار - قزوین و همدان با بیش از ۹ هزار کیلومتر مربع وسعت و چهارصد روستا و یک شهر و نزدیک به دو بیست هزار نفر جمعیت.

مردم خدا بنده و روستاهای اطراف آن از طریق کشاورزی رزاق می‌کنند و این در حالیست که زمینها در دست فئودال‌ها و به اصطلاح کردن کلفت‌های منطقه است و چون اصولاً استان زنجان منطقه خازاده و فئودالیزاده است، شما روستایی را نمی‌توانید پیدا کنید که در آنجا خان یا فئودالی غالب زمین‌های حاصلخیز را در اختیار نداشته باشد. از طرفی چون مردم نمی‌توانند از راههای دیگر زندگی کنند و زمین و آب هم به اندازه کافی ندارند، این است که مجبور می‌شوند برای کار در کارگاهها و مراکز کارخانه‌های شهرها و مراکز سرازیر شوند، که این مهاجرت‌ها در غالب اوقات نه تنها وسیله آرامش و آسایش آنها را در شهرها فراهم نمی‌آورد، بلکه به عکس علاوه بر ایجاد مشکلات اجتماعی، موجب می‌شود که از سطح تولیدات کشاورزی و دامی به مقدار قابل توجهی کاسته شود، و من پیشنهاد می‌کنم که دولت ایجاد مراکز صنعتی در این

به خواسته‌های آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی رسیدگی کنید

اخیراً عده‌ای از عناصر سود جو و فرصت طلب، با سوء استفاده از خواست آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی برای مسکن، گروهی از آنها را به نام "کمیته" محل نزد کمیته‌ها مام برده‌اند ولی در آنجا نام خوبشان را نشان دادند و خود را به بنیاد مسکن داده‌اند. آن‌ها زمینهای با بر مقابله آلونکها را، که در واقع باید به آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی داده شود، بین خود تقسیم کرده‌اند.

این عمل باعث ناراحتی و خشم شدید آلونک نشینهای خیابان زنجان جنوبی شده است، بطوریکه با ارسال نامه‌ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، خواست رسیدگی به وضع خود شده‌اند. در قسمتی از این نامه آمده است: "ما از نمایندگان مجلس خواهانیم که هر

چه زودترین مسئله را در مجلس مطرح نمایند، تا به این کار رسیدگی شود. ما به شمارای دادیم و از شما توقع داریم. نمایندگان ما باید به دردمان برسند و مشکلات ما را حل کنند. چرا با دیدیدالتی به این حد رسید که عده‌ای دغل باز از ما استفاده کنند و برای خود مسکن تهیه نمایند."

عدالت را اجرا کنند، آنگاه حساب اسلام، نگذارند. انشاء الله در آینده نزدیک با همکاری مردم و مجلس شورای اسلامی بر مشکلات قائق خواهیم آمد. دهقانان ستمدیده کشورمان به حق از نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتظار دارند که از تریبون مجلس ندای حق - طلبانه آنان علیه سیستم خانه برانداز بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم انعکاس یابد. مجلس شورای اسلامی میتواند و باید بدخلال مشکلات دهقانان زحمتکش باشد.

منطقه را در اس اقدامات عمرانی آینده خود قرار دهد. آقای رهامی ضمن تشریح مشکلات دیگر دهقانان، از جمله نقایص موجود در بهداشت، آموزش، راههای ارتباطی، کمبود آب آشامیدنی و کمبود بودجه جهاد سازندگی برای فعالیت‌های عمرانی گفت:

چون اعتباری که برای منطقه خدا بنده و حومه در نظر گرفته شده است، در مقابل نیازها و خواست‌های اهالی بسیار ناچیز است، چنانچه اعتبار کافی برای منطقه خدا بنده در نظر گرفته شود، شرایط ایجاد مجتمع‌های کشاورزی و دامی زیاد و نیروی انسانی نیز به اندازه کافی وجود دارد و من فکر می‌کنم که این بهترین راه برای جلوگیری از خروج روستائیان به شهر باشد. بنابراین امیدواریم که در آینده نزدیک به این موضوع نیز رسیدگی شود.

مسئله دیگری که آقای رهامی بعنوان یک مشکل اساسی مطرح ساخت، کمبود نیروهای انتظامی برای تأمین امنیت منطقه است. وی خاطر نشان کرد که: "این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، چون خدا بنده به سبب موقعیت خاص خود هر آن در معرض خطرات احتمالی ناشی از تجاوز و توطئه ضدانقلاب قرار دارد، که البته این موضوع را بنده به وزیر محترم کشور، دادستان انقلاب و سایر مقامات مربوط یادآوری کرده‌ام."

آقای رهامی در پایان صحبت‌های خود با تکیه به ضرورت حل مسائل دهقانان، گفت: "یقیناً" تا همین زندگی مردم و به خصوص روستائیان در کناره عدالت اسلامی است و این دو مکتب هم هستند. و من عقیده دارم که بدون تأمین زندگی روستائیان امکان برقراری عدالت اسلامی محال است و در چنین صورتی این عدالت نیست و من حکومت اسلامی را با این وضع لفظی بیش نمی‌دانم. ما همه جا به مردم این وعده را داده‌ایم که آنچه تا به حال شده و نتوانسته

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

مائوئیسم...

بدون سیم، سرت انقلابمان را عمیقاً درک کنیم و شعارهای میان تپی و سراب آفرین را، که ما را بدنبال خودسپاه مفرستد و حقیقت زنده را فدای رویاهای بی سر و ته می کند، به زباله دان سینداژیم.

وقتی میکوشیم خلعت عینی انقلاب ما، مثل همه انقلابهای پیروز مندم مشایبه صدا میریالیستی است، معنای علمی و امولی این سخن را دریانت کنیم. خلعت عینی صدا میریالیستی انقلاب ایران یعنی چه؟ یعنی اینکه انقلاب به غارت افسارگسیخته مالی و اقتصادی و سیادت ارباب منشا نه سیاسی و نظامی امیرالیسم جهانی و بویژه سرکرده آنها آمریکا در ایران و منافع استراتژیک آنها در منطقه، مریدهای چنانچه و مرگباری زده است. آتشیادسری انقلاب ایران با امیرالیسم، جوهر تاریخ معا مر ایران است.

گودتای خانمان براندا زاسفند ۱۳۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با اینکارویا نظارت مستقیم امیرالیسم انگلیسی و آمریکا انجام گرفت. بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکا و شبکه جاسوسی ساواک زیر کنترل دقیق سیا و انتلیجنت سرویس ایران را بصورت مستعمره تمام عیار و غیر رسمی آمریکا در آورد. ده میلیار دلار هزینه نظامی و جاسوسی و تسلیحاتی توسط امیرالیسم اروپای غربی و آمریکا برای سر زبردن دلارهای نفتی به جیب کشاد کمپانیهای امیرالیستی بهما تحمیل شد. با زارتولید طبیعی اقتصاد کشاورزی ما با طرحهای مشخص کارشناسان غربی به زوال سوق دادند. مابیح و مهره رنگ زدهای از ماشین عظیم نظامی وزانده گندیده ای از با زار جهانی سرمایه امیرالیستی بودیم. و برای اینکه به این فلاکت پایان دهیم، با بداندن ساختار و سر و ته و زاریخ و بین سرکنیم، یعنی ریشه های مسموم امیرالیسم را در اس خاک بخشکانیم. واقعیت عینی یعنی این. مبارزه واقعی و بی انحراف یعنی این. همه آن برنامه ها و سیاست ها و تئوریهایی که از "جیب" و راست میخواهد این بدیهیترین وجه و وظیفه انقلاب ما را مستالی کند. جای دشمن اصلی و حاضر را با دشمن فرضی و موهوم عوض کند و انقلاب نوزاد ایران را از همزادش، جبهه انقلاب جهانی، منزوی سازد، با هر شکل و شمایل که وارد شود، تنها در خدمت یک نیسروست: امیرالیسم!

مائوئیسم این نیروست. این گرگ خیزده در پوست میش است. اگر این گرگ در جایی از دنیا، به یک انقلاب صد امیرالیستی کمترین مددی رسانده، به انقلاب ما هم میتواند برساند. اما آنکه در میانس جهانی دستش در دست آمریکا و نوچه های قدوس عقداست، چگونه میتواند علیه آمریکا و متحدانش باشد؟

چه نکالی در کار انقلاب ما وجود دارد که، اینجا و آنجا، مائوئیست ها اندیشه عربان و فعالان را میتوانند با پوشی از ریش و نمایی از تسبیح و آداب نمازی بیبوشا بند و برایش مشتری دست و پا کنند؟ کجای کار ایراد دارد که بدین انقلاب این تزیینات سیاسی را قاطعانه دفع نمی کنند و منابع میکرب زای آن را درهم نمی کوبند؟ انقلاب شکوهمند ایران چه وجه مشترک و تفاهم آرمانی میتواند با همدستان و پاندا زان ارتجاع ضد خلقی جهانی داشته باشد؟

تا مل روی این سوال هیچ کمتر از یک وظیفه انقلابی نیست.

هندا رما بیشتر از همه به عناصر صادق صدا میریالیست مذهبی است که خطر مائوئیسم را دست کم نمی گیرند. مماشات و حتی بی تفاوتی در برابر ترفندهایی که تبلیغات دوا بر قدرت و تئوریه "سه جهان" و تخطئه دیگر انقلابها مظاهر شناخته شده و بارز است، مماشات با امیرالیسم. و مجال دادن به صدا انقلاب نقابدار است. مبارزه شربخش با مائوئیست ها، در هر لباسی که هستند، طرد آنها از دستکاهای دولتی، جلوگیری از اختلال آنها در خارج از دستکاه حکومتی، فقط با مبارزه با نظرات آنها و افشای کنه این نظرات میسر است. چنین مبارزه ای جا معرا در برابر یکی از موزی ترین میکروب های صدا انقلابی و اکسینه میکند. آخر، متحدان شیطان بزرگ هم مثل خود او شیدانی فکر میکنند. و شیطان، علیرغم زبان چوب و زرمش، افسون شدگان را تنها به یک جا هدایت میکند: جهنم...!

حمله نظامی دولت صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان و توطئه های امپریالیسم آمریکا در منطقه

نیروهای اسرائیل سه شنبه شب (۲۹ مرداد) در جنوب لبنان به مواضع فلسطینیها حمله کردند. طبق اظهارات سخنگوی ارتش اسرائیل، این حمله در منطقه «ارنون ریج» در امتداد رودخانه لیبان صورت گرفت. در نتیجه این حمله چند نفر فلسطینی و چند نفر لبنانی کشته شدند. در این حمله مواضع تویخانه، خیاره اندازها و سلاحهای ضد هوایی فلسطینیها در این منطقه نابود شده است. سخنگوی ارتش اسرائیل افزود که این حمله بخشی از عملیات ترمضی است که منظور ختنی کردن حملات فلسطینیها علیه اراضی اشغال شده از جانب اسرائیل صورت میگیرد. بدنبال این حملات، برابراخبار و گزارشهای منتشره در مطبوعات، نیروهای اسرائیلی در ساعت ۳ بامداد چهارشنبه ۳۰ مرداد، با استفاده از هلیکوپترهای نظامی در چهار نقطه در جنوب لبنان پیاده شدند. چریکهای فلسطینی در این چهار نقطه در برابر واحدهای متجاوز اسرائیلی مقاومت کردند و در نتیجه واحدهای اسرائیلی پس از چند ساعت مجبور به عقب نشینی و از این نقاط در جنوب لبنان خارج شدند. بامداد روز سه شنبه (۲۹ مرداد) هواپیماهای جنگی اسرائیلی پایگاههای چریکهای فلسطینی در اطراف شهر «بقرورت» را بمباران کردند.

عنان توتنی، نماینده لبنان در سازمان ملل متحد، علیه تجاوزات جدید اسرائیل، از جمله حمله هوایی اخیر و پیاده کردن کمانده های اشغالگر در شمال شهر صیدون، در روزهای ۲۳ و ۲۴ مرداد، به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد اعتراض کرد.

عملیات تجاوزی نیروهای مسلح اسرائیلی در جنوب لبنان علیه رزمندگان فلسطینی، که بدنبال اقدام سیاسی ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل انجام میگردد، باز دیگر مویب این واقعیت است که رژیم صهیونیستی اسرائیل به تفتنه های تجاوزکارانه و ترسمللانه خود علیه کشورهای عربی مورد تجاوز و بویژه خلق عرب فلسطین همچنان ادامه میدهد و تلاش دارد خلق عرب فلسطین را از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی محروم کند.

تفتنه های تجاوزکارانه و ترسمللانه اسرائیل را نباید جدا از سیاست کلی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه و استراتژی نظامی جهانی آن بررسی کرد.

اسرائیل در جنگهای تجاوزکارانه خود علیه مصر و سوریه و لبنان و اشغال سرزمینهای این کشورها و خلق عرب فلسطین، همواره مورد پشتیبانی کامل آمریکا بوده و این جنگها با کمک نظامی و حمایت سیاسی آمریکا انجام گرفته است. مراقتنامه های کسب دیوید میان اسرائیل و رژیم خانیته سادات، که موجب تثبیت نتایج تجاوزکاری اسرائیل و باجماع کردن حق تعیین سرنوشت خلق عرب فلسطین و محروم کردن آن از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی گردیده، بخشی از طرحهای متجاوزانه امپریالیسم آمریکا علیه کلیه رژیمهای مستقل ملی و جنبشهای رهایی بخش خلقهای این منطقه است.

پس از تحولات انقلابی، که در این منطقه روی داد و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، انقلاب دموکراتیک در افغانستان و تشکیل جبهه پایداری از کشورهای مستقل ملی عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل، اسرائیل بیش از پیش به سر زبردن تجاوز و کانون توطئه علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه تبدیل شد.

برابر اسناد و مدارکی که در مطبوعات کشورهای مختلف جهان بازتاب یافته، دولت اسرائیل، پس از سرنگون رژیم دیکتاتوری بوخاریتاکار شاه سابق در ایران، در تمام توطئه های سیاسی و تفتنه های مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مستقیم شرکت داشته است. بسیاری از ساواکیهای فراری و دیگر عناصر ضد انقلابی در اسرائیل متمرکز شده اند و از جانب موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) سازمان و تعلیم داده میشوند و برای شرکت در توطئه های نظامی و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران، به ایران اعزام می گردند.

سازمان عالیترتبه سازمان جاسوسی اسرائیل و ژنرالهای ارتش اسرائیل با اختیار، اویسی، پالیزیان و انرف، خواهی معلوم الحال شاه سابق، در تماس دائمی هستند و طرحهای توطئه های آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بررسی میکنند. دولت اسرائیل و کارشناسان نظامی آن در تدارک برای اجرای این طرحها شرکت فعال دارند.

حملات نظامی چندروز اخیر نیروهای مسلح اسرائیل به جنوب لبنان و بمباران مواضع فلسطینیها، ضمن اینکه هدف تضعیف و درهم شکستن مقاومت سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عربی جبهه پایداری را دنبال میکند، بخشی از توطئه کلی امپریالیسم آمریکا علیه رژیمهای مستقل ملی در منطقه و علیه انقلاب و جمهوری اسلامی است. امپریالیسم آمریکا، با پشتیبانی از عملیات تجاوزی اسرائیل در جنوب لبنان، تلاش دارد که اوضاع منطقه را هر چه بیشتر متشنج سازد و بوسیله اسرائیل یک دگرگیری مسلحانه به مقیاس منطقه ایجاد کند، تا با استفاده از چنین وضعی، بتواند نیروهای مسلح خود را که در تمام پایگاههای دریایی و زمینی در این منطقه حضور دارند، وارد عمل سازد و احتمال طرحهای مداخله مسلحانه علیه ایران را بمنظور براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران از این طریق پیاده کند.

در برابر این توطئه های تحریک آمیز و تفتنه های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و دیگر رژیمهای دست نشانده آمریکا، که علیه جمهوری اسلامی ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری است، اتحاد و همستگی همه کشورها و نیروهای صد امپریالیستی در برابر تجاوز اسرائیل و توطئه های امپریالیسم آمریکا از عواملی است که میتواند به استحکام مواضع انقلابی و ضد امپریالیستی این کشورها و همچنین مواضع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مساعدت کند و تفتنه های تجاوزی و طرحهای توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیاران آنرا در منطقه به شکست و ناکامی محکوم سازد.



شورای جهانی صلح مردم جهان را به گسترش مبارزه علیه سیاست تحریک آمیز آمریکا دعوت کرد

شورای جهانی صلح باصلاح استراتژی جدید هتتهای آمریکا را دعوت و تحریکی بسوی جنگ خوانده و اعلام کرد که مفهوم امکان استفاده محدود از سلاحهای هسته ای از نظر نظامی بیوج و خطرناک است.

شورای جهانی صلح تاکید کرد که دکترین جدید کاتس سفیدستی از سیاست خارجی آمریکا است، که از جمله استقرار موشکهای جدید هسته ای در اروپا، تقویت نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس و حفظ صدها پایگاه در کشورهای دیگر از اجزاء آن است.

شورای جهانی صلح از همه مردم باحسن نیت جهان خواست که مبارزه را علیه این سیاست تحریک آمیز گسترش دهند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، پاتنه ویب قطعه های تل آویو را در مورد تبدیل بیت المقدس به پایتخت اسرائیل معکوم کرد

آمریکا به این قطعنامه رای «متنع» داد. رای متنع نماینده آمریکا باز دیگر نشان میدهد که صهیونیستهای تل آویو در تجاوز علیه خلقهای عرب تاجمحد از حیث اربابان آمریکائی خود بر خور دارند.

ادویند ماسکی وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است که چون قطعنامه «متعاد» نوده آمریکا به آن رای متنع میدهد!

از نظر امپریالیسم آمریکا «متعاد» بدان معنی است که فلسطینیها و اعراب، که قربانیان تجاوزات بربره متناه صهیونیستی و امپریالیستی هستند، نیز محکوم شوند!

از سوی دیگر ناظران سیاسی در سازمان ملل اعتقاد دارند که آمریکا در واقع مایل بوده است که قطعنامه مصوبه شورای امنیت را وتو کند، اما بخاطر اینکه مزدوران سرسپرده خود مانند ملک خالد، سادات، ملک حسن و شیوخ مرتجع خلیج فارس را، که از ترس ملت های خود در تفتنه های اخیر، در حرف با تبدیل بیت المقدس به پایتخت اسرائیل مخالفت کرده اند، بیش از پیش متشنج نکند، رای متنع داده است.

خلق ستمدیده شیلی مبارزه علیه دیکتاتوری خون آشام پینوشه را گسترش میدهد

خبرگزاری اسپانیا در گزارشی اعلام کرد که تظاهرات بزرگی در سانتیاگو پایتخت شیلی علیه دارو دسته فاشیستی پینوشه برپا شد و تظاهرکنندگان در خیابانهای اصلی شهر رامپانته کردند و علیه به اصطلاح فرمانروا یازدهم سیتابیر، سالگرد کودتای خونین، شماردادند.

تظاهرکنندگان فریاد میزدند که این «فراندمور» حمله ای از سوی رژیم برای قانونی کردن نظام دیکتاتوری سرسپرده است. پلیس مزدور شیلی به تظاهرکنندگان حمله کرد و دهها تن بازداشت شدند.

از سوی دیگر، بنابه گزارش همین خبرگزاری، در حومه های سانتیاگو شبنامه های علیه رژیم دست نشانده شیلی و اربابان آمریکائی آن بخش شده است.

در جهان سوسیالیسم

افزایش درآمد ملی در کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی

آخرین آماری، که چندی پیش از سوی دبیرخانه شورای همیاری اقتصادی منتشر شد، باز دیگر رشدیویا، کارآیی و ز- افزون و بهر ورزی هر چه بیشتر کشورهای عضو را به ثبوت میرساند:

در دهه هفتم سده ما، درآمد ملی کشورهای عضو "شورا" ۶۲ درصد افزایش یافت. بدین سان، میانگین رشد سالانه درآمد ملی در این کشورها ۵/۵ درصد بود. در این سالها سهم صنعت، ساختمان، ترابری و ارتباطات در تولید درآمد ملی بیشتر شد.

سرما به گذاری در اقتصاد ملی ۷۱ درصد افزایش یافت و میانگین رشد سالانه به ۶/۱ درصد رسید.

در سالهای نامبرده، کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به ویژه به گسترش پایه مادی - تکنولوژیکی - اقتصاد خود پرداختند و در حدود سه چهارم وسائل موجود را صرف گسترش نوسازی بخش سازی بخش های تولید مادی کردند. سی تا ۵۰ درصد این مقدار مصروف صنعت شد.

تقریباً همه کشورهای عضو "شورا"، سرما به گذاری خود را در بخش های غیرمولد مانند برنا مهای توسعه اجتماعی، اقتصاد، به ویژه خانه سازی، افزایش بخشیدند. در سالهای ۷۱-۷۲، بیش از ۲۷ میلیون خانه در این کشورها ساخته شد. سخن دیگر، سالانه ۸/۱ خانه، برای هر هزار شهروند احداث گردید.

افزایش تولید صنعتی در کشورهای عضو "شورا" همیاری اقتصادی در سالهای نامبرده ۷۸ درصد، یعنی میانگین آهنگ رشد سالانه آنها، ۶/۶ درصد بود.

در ضمن، به بخش هایی که پیشرفت علمی فنی از همه بیشتر آنها وابسته است، اولویت بیشتر داده شد. برای نمونه، تولید مهندسی مکانیک ۲/۴ برابر، تولید برق ۱/۷ برابر و تولید شیمیائی ۲/۱ برابر گردید.

گسترش سریع بخش های ساختار سازی افزایش سهم نسبی آنها در تولید نا ویزه صنعتی انجام مید. عالیترین آهنگ های رشد، در بخش های تولید ابزار ماشین، اتومبیل، تراکتور و ماشین های کشاورزی و ساختاری حاصل شد.

در جهان سرمایه داری

وضع کنونی صنعت فولاد آمریکا دورا ژرکود بزرگ راه با دمی آورد

روزنامه های آمریکا وضع صنعت فولاد سازی آن کشور را "فاجعه آمیز" ارزیابی کرده اند. در حدود نیمی از ظرفیت تولید این صنعت عاطل است.

از ۴۵۰ هزار فولادکار، که زمانی به تولید مشغول بودند، اینک فقط ۲۶۹ هزار نفر باقی مانده اند و هنوز هم سرنوشت بی کاری در انتظار برخی از آنهاست.

همین چندی پیش، شرکت "بتلهم" استیل کارپوریشن در بالتمور (ایالت مریلند) اعلام کرد که، تولید خود را تنزل داده است. "ری پابلیک" استیل کارپوریشن نیز در شیب خود در آلاباما و اوهایو به خارج کارگران دست زد. چنانکه روزنامه "کریشن سانیس مانیتور" نوشت، وضع کنونی صنعت فولاد در آمریکا تنها با دوران "رکود بزرگ" سالهای ۳۰ قابل مقایسه است.

یکی از علل عمده کاهش تولید فولاد را در ایالات متحده آمریکا، بحران صنعت اتومبیل سازی باید دید، که یکی از مهمترین مشتریهای آنست. برای نمونه، در نیمسال اول ۱۹۸۰، تولید اتومبیل در مقایسه با دوران مشابه در سال پیش، ۲۹ درصد کاهش یافت. فروش اتومبیل در دهه سوم ژوئن به سطحی تنزل پیدا کرد که در ۲۲ سال گذشته بی سابقه بوده است. همچنین کاهش تولید صنعت کشتی سازی نیز در بحران شاخه فولاد سازی بی تا شیر نموده است.

یکی دیگر از دلایل کاهش تولید فولاد، آنست که، برخی از کارفرمایان به علت عدم توجه کافی به آخرین دستاوردهای علم و فن، از عهد رقابت با زار برنمی آیند.

به نوشته "بیزنس ویک"، "یو اس - استیل" در ۵ سال اخیر ۷۲ درصد سود خود را به عنوان سود سهام توزیع کرد. این رقم در "بتلهم استیل" حتی ۸۳ درصد بوده است. بدین ترتیب، پول کافی باقی نمی ماند که صرف نوسازی و مایسل تولید شود و یا در نوآوریهای علمی - سرمایه گذاری گردد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

طرح سند «سه جزیره» در شرایط کنونی، توطئه جدید امریکا علیه انقلاب و جمهوری ایران

نفوذ خود در این منطقه را برای اجرای طرحهای گوناگون توطئه و تجاوز و مداخله نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار گرفته و در اجرای این طرحها به هر یک از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به خود نقش واگذار کرده است.

رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امریالیسم آمریکا در منطقه در تمام توطئها و عملیات تجاروی نافرمانی که تاکنون از جانب امریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، مستقیماً شرکت داشتهاند و اکنون نیز در اجرای طرح توطئه جدید، که علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده میشود سهم خود را ایفا میکنند.

بدین ترتیب طرح مسئله استرداد سه جزیره تب کوچک و بزرگ و ابوموسی از جانب رژیم امریکا در خارج امارات متحد عربی در چنین شرایطی، از برنامه کلی توطئهای امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جدا نیست.

رژیمهای ضد خلقی منطقه به حکم وابستگیهای سیاسی و نظامی و اقتصادی عمیق خود به امریالیسم، بویژه امریالیسم آمریکا، ناگزیر به اجرای رهنمودهای ارباب خود هستند. گذشته از این، آنها به اقتضای سرشت ضد خلقی و وابسته خود طبیعتاً با انقلابهای ضد امریالیستی و رژیمهای خلقی و مستقل ملی مخالفند و دوام و بقای این انقلابهای ضد امریالیستی و خلقی و تأثیر آنها را که این انقلابها در میان خلقها و کشورهای دیگر منطقه دارند، برای موجودیت و سرخوش رژیم خود خطری جدی و بزرگ تلقی میکنند. بهمین علت است که تمام رژیمهای دست نشانده و وابسته و ضد خلقی در این منطقه، از نخستین روز پیروزی انقلاب ایران در مواضع خصومت و مخالفت با این انقلاب قرار گرفتهاند و از سیاست تجاوز و مداخله نظامی امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمیصت میکنند و در تلاش تضعیف و شکست این نظام انقلابی نوپا هستند.

طرح مسئله سه جزیره از جانب دولت امارات متحد عربی علیه جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، توطئه جدیدی است که طرح آن در محافل امریالیستی تهیه گردیده است. هدف این توطئه ایجاد درگیری غیرلایم در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی ایران و انصراف توجه آن از خطر بزرگ واقعی موجود، یعنی توطئه بزرگ امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و تضعیف مواضع آن در برابر چنین خطری است.

ما این خواست ناموجه و تحریک آمیز دولت امارات متحد عربی را در شرایط کنونی، بمتابه توطئه جدید آمریکا و نیروهای ارتجاعی و رژیمهای دست نشانده امریالیسم آمریکا در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، با قاطعیت محکوم میکنیم.

خبرگزاری پارسی، به نقل از خبرگزاری فرانسه، گزارش داد که، رشید عبدالله، وزیر امور خارجه امارات متحد عربی، در مورد مسئله سه جزیره تب بزرگ و کوچک و ابوموسی، واقع در خلیج فارس، به دبیر کل سازمان ملل متحد اعتراض کرده است.

این سه جزیره در سال ۱۳۵۰، پس از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه خلیج فارس، بوسیله نیروهای ایرانی تصرف شدند. رشید عبدالله، در پاسخ به نامه ای که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در خردادماه سال جاری، درباره این مسئله به دبیر کل سازمان ملل متحد نوشته است، اظهار داشت که امارات متحد عربی اینطور است که مسئله این سه جزیره از راههای معمولی حل و فصل شود و از اعمال تحریک آمیز اجتناب شود.

قبل از امارات متحد عربی، مسئله سه جزیره تب بزرگ و کوچک و ابوموسی، از جانب دولت بعثی عراق مطرح گردید و دولت بعثی عراق خواستار شد که جمهوری اسلامی ایران این سه جزیره را بازگرداند. در آنتونق از جانب وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پاسخ لازم به این خواست نابجا و غیر منطقی دولت عراق داده شد. و اینکه بار دیگر مسئله بازگرداندن این جزایر از جانب امارات متحد عربی مطرح میشود.

صرف نظر از اینکه خواست بازگرداندن این جزایر، چه از جانب دولت بعثی عراق و چه از طرف امارات متحد عربی، خواستی استغریب منطقی و بی اساس، طرح این مسئله در اوضاع و احوال کنونی در منطقه و موقعیت جمهوری اسلامی ایران نمیتواند تصادفی باشد.

آنگون قریب به ۹ سال است که از جریان تصرف این جزایر بوسیله نیروهای ایران میگذرد. در دوران رژیم سابق، که این جزایر تصرف شدند، و پس از آن، از جانب امارات متحد عربی و دولت بعثی عراق مسئله استرداد این جزایر بطور جدی مطرح نگردید و علاوه بر این، در دوران اشغال این جزایر بوسیله نیروهای نظامی انگلستان، که به پایگاه نظامی امریالیسم انگلیس علیه خلقهای این منطقه تبدیل شده بودند، از ناحیه هیچ دولت و کشوری در منطقه به این وضع اعتراض نشد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امریالیسم آمریکا، علاوه بر تقویت پایگاههای نظامی و گسترش بی سابقه حضور نظامی خود در این منطقه، که مستقیماً علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، سعی کرده است که بوسیله رژیمهای دست نشانده خود در منطقه، مواضع جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند و در روابط آن با کشورهای همجوار در منطقه تیرگی و تشنج پدید آورد. امریالیسم آمریکا تمام تاسیسات و امکانات نظامی رژیمهای دست نشانده و تحت

ضد انقلاب کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر را ویران کرد

صبح روز بیست و یکم مردادماه گروهی شناخته شده، با آرم پیشمرگان حزب الله، به کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر حمله کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بهشهر بدین مناسبت اطلاعیه ای صادر و در سطح شهر پخش کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«هشتریان عزیز! روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۹ ساعت ده صبح، گروهی قلیلی که شناسایی شدهاند، با آرم پیشمرگان حزب الله، به محل کتابفروشی نشریات حزب توده ایران، که بسته بود، حمله کردند و پس از کندن درب کرکری و شکستن شیشهها و قفسهها و مین و صندوق و فیوز و کنتور برق، کلیه کتابها و نشریات را از بین بردند. این اعمال در شرایط انجام میگیرد که ضد انقلاب به دستور امریالیسم قصد نابودی جمهوری اسلامی را دارد.

ما توجه مسئولین و نهادهای انقلابی را به اطلاعیه دادستان کل کشور و سخنرانی ایشان در خوزه علمیه قائم در جیدر و مصاحبه با صدا و سیما جمهوری اسلامی جلب میکنیم، که گفته است: «با توجه به اینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون هر عملی که انجام میشود باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد، اقدام به این قبیل اعمال، علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و منحل

تبع آور این وزیر ورشکسته به تقصیر نمیباشد؛ مطابق چگونگی احساس مسئولیتی است که مسئول سیاست خارجی ایران، علنا اعلام میدارد، کشورهای جهان پرسنل سفارتخانههایشان در تهران را بعد از تقلیل دادهاند برای اینکه امنیت ندادند این دیپلماتی؛ بسود کیست؟ اینقدر مسلم است که بسود جمهوری اسلامی ایران نیست - و این آقای وزیر جلالتماب، حتی از امکان سقوط جمهوری اسلامی نیز سخن گفت و ناخودآگاه، ولی با اطمینان از آیندهای دیگر، غیر از آیندهای که مردم مستضعف ایران آرزوی آنها دارند، یعنی آیندهای، بیشتر مطابق با خوابهای که امریالیستها، دشمنان خوشبختی مردم مستضعف ما دیدهاند، سخن میبیاورد. اما مستضعفین ایران هنوز فائقند، و اجازتی تغییر چنین خوابهایی را نخواهند داد. تودههای مستضعف ما، که با آن فداکاریهای بی همتا، این انقلاب پرشکوه را بوجود آوردند، و خود را از شر ظلمت و سیاستهای داخلی و خارجی وی رها ساختند، قریب عوام فریبهای عوامانه امثال صادق قلبزاده را نیز نخواهند خورد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آن سیاست خارجی که ما را یار دیگر اسیر روابط با پاکستان و ترکیه و اربابان امریالیست آنها سازده نباید باشد و نخواهد بود. قلبزاده بسپوده تلاش میکند و اگر هم خواهد در این جهت یعنی در جهت اتخاذ چنین سیاستی به دولت آینده کمک کند، مستضعفین ایران چنین کمک را نمیخواهند. (صبح آزادگان، ۴ شهریور ۵۹)

کشف مرکز جاسوسی سیا در دایره استققی هشدار برای هموطنان مسیحی

روزنامه اطلاعات می نویسد: متاسفانه قدرت های استعمارگر جهانی، انگلستان، فرانسه، آمریکا و دیگر اسلطان و امپراتوران همواره کوشیده اند که ساخت پک و ملطی مسیحیت، یهودیت و اسلام را آلوده کنند. همواره در دنیای مسیحیان و یهودیان و از جمله در جمع اقلیت های مذهبی ایران دو قشر، دو طبقه یا دو جناح وجود داشته اند. همانند که در میان دیگر صاحبان ادیان وجود دارند. توده های کاربدیده و زنجیر برده، تصمیل کرده های مومن و روشن ضمیر و متعهد، غلظتشان وفادار به مسیح و موسی و مومنان زاهد و متقی و دور از تعلقات دنیوی از یکسو و بسیاری از سردمداران طبقات مرفه، برخی از کاتبان و فریسان و کنیشان و مسطحه های که زنجیر عبادت نفس و بندگی دنیا و اربابین را به گردن انداخته اند و سر در پی آنها نهاده اند.

قدرتهای خونخوار همیشه تلاش کرده اند تا با استقرار پایگاه خویش در میان اقشار و طبقات نوع دوم، آن قشر یا طبقه گروه اول را فریب دهند و پدیده امریالیسم از خویش وادارند. اکنون در همین ایران انقلابی خودمان، آمریکا بسختی تلاش میکند تا چنین وانمود شود که گویا مبارزه سر مستخوانه و قهرمانانه امام خمینی یا امریالیسم جهانخوار آمریکا مبارزه با مسیح (ع) و مسیحیت است. دولتداران امریکایی طبقه حاکمه و سرمایه داران و انحصارگران و متخصصان پیچیده ترین نوع استعمار در مایالات نامتحدده خود کترین اعتقادی به مسیحیت ندارند. اما اینقدر میباید که یازگی یا مسیحیت فراموشی را بی ضرر نیست بلکه برعکس می تواند منافع فراوان نیز بیار آورد. آنها با تکیه بر مزدوران و جاسوسانی که در لباس محترم روحانیت مسیح میباشند و آسوی میفرستند ناجوانمردانه و خائنانه نقشه میزنند و توطئه می کنند تا یک یا چند کلیسا را به «کلیسای» یا در حقیقت به «کلیسای» برای حل مشکلات مسیها بدل سازند. از اینرو برخی از کشیشان نماها و روحانی نماها را آموزش میدهند تا با بهره گیری از دو نقشه فتنه و دعوت موجود اقلیت های مذهبی ایران را در برابر برادران مسلمانان قرار دهند...

در مطبوعات کشور از که آمختی ادب؟

پیش شب گفتال دوم تلویزیون جمهوری اسلامی، مصاحبه ای با صادق قلبزاده، وزیر امور خارجه پخش کرد. هدف و مقصود از پخش این مصاحبه معلوم نشد. گفتند مقام وزارت مابن نقطه نظرهای خود را درباره ی سیاست خارجی، پاکسازی در وزارت خارجه، دولت آینده و نهادهای انقلابی، بیان میدارد. ولی مگر چندبار قرار است شافلین مقام های وزارت، دیدگاههای خود را درباره مسائل گوناگون بیان دارند؟ مگر ما نمی دانستیم که آقای قلبزاده، مثلاً با ادامه ی بازداشت گروگانها و محاکمه ی ایشان مخالف است، مگر قبلاً سینه جلونداه و اعلام نکرده بود که هیچ وزارتخانه ای بهتر از وزارت خارجه پاکسازی نشده - البته هیچ کس دیگری هم جز قلبزاده نمیتوانست بدون احساس خجلت چنین ادعایی بکند، زیرا چنین ادعایی، در حالی که بوی بد مبره های طاغوت در سفارتخانه های ایران در خارج، به خیلی جاها رسیده واقعا رو می خواهد. از جمله همین دیروز، حجت الاسلام نوری که از طرف امام برای رسیدگی به موضع سفارتخانه های ایران مامور شده بود، ضمن مطالب دیگری، از ساختمان مجلی که در بهترین نقطه ی رم واقع است و متعلق به ایران است، اما امام شاه مخلوع افغانستان در آن زندگی میکند، سخن گفت، و این تازه هشت ماه پس از تصدی وزارت خارجه، توسط وزیر است، که بمنی است در پاکسازی بهترین نمره را باید باو داد! درباره عقاید و نظریات جناح وزارت مابن، ما چه کیسوی داشتیم؟ و مگر چندین بار و به بیان های مختلف، نظر ایشان را درباره سیاست خارجی تشنیده بودیم؟ یا مگر با لحن حق بجانب این سؤال را مطرح ساخته بود که: چرا پاکستان نوکر آمریکاست؟ یک دلیل قانع کننده تاکنون کسی برای اثبات این مساله نداد، فقط شمار داده اند. مگر نگفته بود، اتهام وابستگی پاکستان به غرب کلاً جنبه ی تبلیغاتی دارد و بسیار ناجوانمردانه و بیشرمانه است؟ مگر بر کسی پوشیده مانده بود که ایشان طرفدار همکاری جمهوری اسلامی ایران با پاکستان و ترکیه، یعنی همبمانان سابق شاه ملون در ستو، و همبمانان بی گیر آمریکا در تاتو و ستو بوده اند؟ درباره ی نهادهای انقلابی، مگر نگفته بود که دانشجویان بیرو خط امام، در خط امام نیستند؟ چه چیز تازمائی قرار بود در این مصاحبه گفته شود، و چه موضوع تاروشنی، قرار بود روشن گردد؟ و بالاخره چه چیزی به معلومات ما درباره ی دیدگاه های وزیر خارجه افزوده شد؟ اما در واقع مقام وزارت مابن در آخرین روزهای وزارت چیز کثرت آمای برای مردم داشته، و آن گشودن پارچه ی جدیدی در گستاخی بود، در گذشته، ایشان تنها به کسانی که با سیاست نزدیک به پاکستان و ترکیه، و سایر اقشار آمریکا، مخالف بودند، حمله میکردند و دشنام میدادند، اما این بار، با بیان شیوای خویش که طی آن در مقام وزارت هم از اصطلاحات چویداران استفاده میکنند، آبپاکی را بروی دست همه ریختند، و ضمن تریف و تمجید منسل از شخصیت منبع خود، اعلام داشتند که در این مملکت، جهت دارد بهمانی می رسد که هر کس ملطع تر، بله قریان گوهر و بی شخصیت تر است، جلوتر است. و اینطور دارد عمل می شود، و باید چنداناً فامیل داشت که با قدرتها رابطه داشته باشد، اینها را باید داشت، ولی من ندارم.

این دشنامها خطاب بکیست؟ و چگونه است که آقای وزیر خارجه بخود اجازه میدهد بله قریان گوهر و بی شخصیتی را ملاک ترقی و جلوتر بودن اعلام کند؟ در حالیکه خود ایشان هم هنوز آنقدرها عقب نیست، این چه گستاخی و بی ادبی است؟ و چگونه است که تلویزیون جمهوری اسلامی این لاطللات را بخورد مردم میدهد؟ آیا چیزی مفیدتر از تکرار مکررات

توضیح فرمانداری قائمشهر

به دنبال چاپ مطلبی تحت عنوان «توضیح در امر توزیع سیمان در قائمشهر» در شماره ۲۳۳ نامه مردم، فرمانداری قائمشهر نامه ای به مدیریت کل ازشاد ملی استان مازندران ارسال داشته، که در نوشت این نامه برای نامه مردم فرستاده شده است. در این نامه آمده است:

۱- «هماطوریکه اعلام داشته اند، مسئولیت توزیع سیمان و گچ قائم شهر به شرکتی که به همین نام گسیس گردیده، محول شده است و فرمانداری هم با تعیین نماینده در نحوه توزیع آن نظارت دارد و بر ترتیبی که اخیراً مشاهده شده، لاشی از کمبود سیمان در سطح شهرستان و کثرت متقاضیان بوده است، که نقضان ضابطه.

۲- فرمانداری طی اطلاعیه از کلیه متقاضیان از طریق رادیو و تلویزیون مازندران خواسته است در مواردی که با احتکار و گرافروشی یا هر نوع تقلب دیگر برخورد نموده اند، مراتب را کتبا اعلام دارند، تا با افراد متخلف برابر مقررات رفتار شود.

۳- نظر این فرمانداری بر آنست که جهت دریافت سیمان و کالاهائی نظیر آن، از ضروریات بوده و به حفظ اضتیاط عمومی کمک می نماید و اگر چنانچه گاهی اوقات اشخاص در کسوت متقاضیان سیمان بصورت دستجمعی بفرمانداری یا شهرداری مراجعه و موجبات درگیری با برخی از ماموران را فراهم می نمایند، تا آنجا که تعقیب شده مستحق و نیازمند واقعی سیمان نبوده و عمل این قبیل افراد کلاش مذبحوحانه ای برای ایجاد هرج و مرج در محیط اداره و یا وقت کثرت مسئولان و بزرگ جلوه دادن مسئله کمیروسیمان می باشد.

برخورد مسئولان مقامات فرمانداری قائمشهر در ارتباط با مسئله نارسائی در امر توزیع سیمان در قائمشهر، مابیه خوشوقت است. ما از آن مقامات انتظار داریم که همچنان در این امر مهم، کمال دقت و هوشیاری را بکار ببندند.

ضمناً ذکر یک نکته رانیز ضرور می دانیم، و آن این است که بهیچست مسئولان فرمانداری قائمشهر ضوابط مشخصی را در امر توزیع سیمان تعیین کنند، تا از این طریق اولسیمان بنست متقاضیان به سهولت برسد، و لایا دست واسطه ها و محقران کوتاه شود.

کافر و در حقیقت «کارل» ها و طبقه حاکمه آمریکا و دیگر امریالیستهای جهان همین کلک را سوار کرده اند و تبلیغ می کنند که گویا جهان اسلام با جهان مسیحیت و مذهب اسلام و مذهب مسیح کلازیت شده اند.

آنها گاه طرح های دیگر هم میزنند چنانکه مرحوم کشف الظنای بزرگ و بزرگوار را به «انجمن مسیحیان آمریکائی طرفدار صلح در خاورمیانه» دعوت کردند تا با توجه به دشمنکات اسلام و مسیحیت در زمینه «استقرار عدالت و صلح و ایمان» جلسه و کنفرانس تشکیل دهند و علیه کمونیسم ملحد ضد دین که دشمن مشترک اسلام و آمریکای مسیحی!! است جبهه زانندی تهیه فرمایند! کشف الظنای که نقشه آنها را دریافت همان ابتدا با نوشتن نامه ای شدیداللمن و افشاگرانه به آنها قهانه که خر کیست!

به آنها گفت که چگونه در ریتم و الجزایر و لبنان و فلسطین و عراق، صلح و عدالت و ایمانرا مستقر کردید!

الجزایری ها، آفریقایی ها و هر کشور استعمارزده بیاد دارند که چگونه قبل از ورود قسوا ی استعماری همواره دسته ای از یاسللاح میسوزهای مسیحی و بشترین روحانی و کشیشان کلاب، پیشتر اول و طلاهدار سپاه استعمار بوده اند. اول به بهانه هدایت و ارشاد و بعد ارشاد به آمریکا و هدایت به دنیای غارت و چنگ و استعمار...

(اطلاعات، دوشنبه سوم شهریور ۵۹)

در جلسه علنی دیروز مجلس



امپریالیسم آمریکایی خواهد باسیج عراق، ترکیه و کشورهای شیخ نشین به کشور انقلابی ما یورش بیاورد

دو فوریتی بودن طرح ترمیم جاده‌ها و پاسگاه‌های مرزی غرب کشور به تصویب نمایندگان رسید. **حجت‌الاسلام خلیفای گفت: باید بنا قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در تمام زمین‌ها بگیریم.**

در جلسه علنی دیروز مجلس، که ساعت ۹:۳۰ برپاست حجت‌الاسلام رفیعیان تشکیل شد و پس از سخنان قبل از دستور چندین از نمایندگان، دوفوریتی بودن طرح ترمیم جاده‌ها و راه‌های مرزی غرب کشور به تصویب رسید. در ابتدای جلسه دیروز و قبل از سخنان قبل از دستور نمایندگان دکتر یزدی سخنرانی حقیقی، در پاسخ اعتراض احمد سلامتیان مبنی بر عدم طرح اعتبارنامه‌اش در مجلس، گفت: «این اعتبارنامه بار اول در کمیسیون تصویب شده ولی به علت مندرجات بودن نتیجه آراء مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و اینبار طبق رای گیری مجدد رد شد و چون اکنون متن گزارش کمیسیون، که حاوی تمامی دلایل و شواهد باشد، تنظیم نشده، تا تنظیم شدن آن گزارش این پرونده مسکوت میماند...»

پس از صحبت‌های چندین از نمایندگان، قرار شد که گزارشی بر مبنای نتیجه اول رای گیری کمیسیون (رو یا ذکر اینکه ۷ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف و ۳ بی‌اعتنا، طبق آیین‌نامه، دلیلی بر تصویب اعتبارنامه نیست) به مجلس عرضه شود.

قائمی، نماینده بابل، اولین سخنران قبل از دستور، ضمن اشاره به دستاوردهایی که انقلاب تاکنون به آن نائل شده است، گفت: «برخلاف نظر منفی‌بالان، انقلاب ما تاکنون پیروز بوده است...» وی افزود: «اکثر دولتمردان ما با صداقت کار می‌کنند و اکثر اشتباهات آنان نیز ناشی از تصور بوده تا تصحیر، لیکن باید توجه داشتند که بعضی از همین کوتاهی‌ها لطافت بزرگ و جیران‌ناپذیری و انقلاب ما وارد می‌آورد...»

وی آنکه به مشکلاتی که در کلر از گانه‌های مسلکی وجود دارد اشاره کرد و گفت: «هنوز بازماندگان رژیم گذشته در بعضی از ادارات و مراکز مشغول کارند... هنوز بعضی از کارمندان تبعیض‌اند که آنها خدمت‌مردم، مغلوب و باید برای مردم خدمت کنند... تازه اکنون (پس از یک سال و نیم از انقلاب) شاهد کشف مراکز جاسوسی در تهران و شهرستانها هستیم... هنوز معلوم نیست که بانکهای ما اسلامی است یا سرمایه‌داری... مثل اینکه باید مرتب کارهای انجام‌شده و امام تذکره‌دهند...»

وی در پایان سخنان خود از وضع حوزه انتخابیه خود و منجمله نیامدن هیئت ۷ نفره تقسیم زمین بدانجا سخن گفت. فشارت، نماینده سمرقند، سخنران قبل از دستور دیگر جلسه دیروز، ضمن اشاره به برخورد نادرست یکی از نمایندگان با تماشاگران در جلسه قبل، گفت: «اینجا یعنی کسانی که هرگز در جلسات مجلس طغوتی شرکت نمی‌کردند، اکنون بجای رفتن به سینما یا هر جای دیگر، به مجلس می‌آیند و بر کار ما نظارت می‌کنند، همین‌ها ما را انتخاب کردند و به اینجا آورده‌اند... پس درست نیست که چنین برخوردی با آنها داشته باشیم... البته تماشاچیان نیز باید مقررات مجلس را رعایت کنند...»

وی آنکه در مورد توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکایی علیه انقلاب، بخصوص در غرب کشور، گفت: «اکنون مرصده‌هایی هست مربوط به اینکه شیطان بزرگ آمریکا میخواهد عراق و ترکیه و شیخ‌نشین‌های خلیج را بسیج کند و به کشور انقلابی ما حمله آورد... اما ملت ایران بلدان که ناقوس آزادی و رهایی از اسارتها، ناقوس مقابله استعمار و استبداد، بوسیله انقلاب ما صدا درآمده است... اکنون نهضت‌های رهاییبخش رشد کرده‌اند...»

ناطق بندی، اسدی‌نیا از اهواز، در سخنانی از جمله گفت: «یکی از مطالبی که از ابتدای انقلاب تاکنون به حرکت انقلابی ما لطمه زده است، انتخاب کسانی به تصدی امور بوده است که با اسلام را شناخته‌اند و یا قاطعیت انجام کارها را نداشته‌اند... در انقلاب ما هیچ خطی بجز خط امام نباید مطرح باشد...»

وی در باره وضع بانکهای کشور گفت: «کجای این سیستم اقتصادی و بانکی ما اسلامی است... اینجا چه فکر می‌کنند؟ خیال می‌کنند که ملت انقلابی ما به سادگی از این مسائل خواهد گذشت؟ هرگز...»

وی افزود: «مردم باید در جریان حوادث مختلف عملی‌گذاشت... بتوان نمونه آنها باید از جریان توطئه‌هایی که از جانب آمریکا علیه ما می‌شود، آگاه باشند... رسانه‌های گروهی موافقند مسائل مهم‌مملکتی را به اطلاع مردم برسانند... و بدانند که اگر شعار هرگز برامپریالیسم آمریکا می‌دهند... آمریکا اکنون تمام نقاط و بخصوص کرمانستان و خوزستان را مرکز توطئه‌های خودش قرار داده است... و بدانند که تنها شعار دادن خیانت به انقلاب است...»

وی در پایان در باره حوزه انتخابیه خود و قریح‌تبتاک حاکم بر مرز نشینها، که زمین‌ساز انواع توطئه‌هاست، گفت: «پس کجاست این اقتصاد اسلامی... ضدانقلاب در همین بزم گذارهایی اخیر نمای از این مرز نشینها را با ۵۰۰ تومان به خدمت خود درآورده بود... این هنداری است به کلیه مسئولین امر... باید هرچه سریعتر مسئله فقر مناطق مرز نشین را حل کرد... همچنین در باره تبلیغات باید گفت که در نقاط مرزی کرمانستان این تلویزیون‌تراق است که آن مناطق را تحت پوشش دارد نه سیمای جمهوری اسلامی ایران...»

قریبا علی‌دینی نجف‌آبادی، نماینده اردل، آخرین ناطق قبل از دستور دیروز، گفت: «امپریالیسم جهانی‌توار، که منافع خود را با پیروزی انقلاب ایران در خطر می‌داند، از همان ابتدا سعی کرد تا با انواع توطئه‌ها تکان‌دهد ایران به ثبات سیاسی و اقتصادی دست یابد... او با استفاده از کشورهایی مانند مصر، عمان، عراق، امارات متحده، عرب به توطئه علیه انقلاب مشغول است... می‌خواهد مرزهای ما را مشتج کند و در داخل کشور جنگ روانی ایجاد کند و تکان‌دهد که حتی بزرگ انقلاب بهربری امام خمینی به ساحل نجات برسد. اینها تفنگداران دریایی خود را در عمان می‌آوردند و تجهیزات جنگی در اختیار مزدورانشان در منطقه قرار میدهند... خوانین و گروهکهای ضدانقلابی را در داخل تقویت می‌کنند... در مقابل تمامی اینها ما باید امنیت ایجاد کنیم...»

وی سپس به زانندامری کشور و ضعف آن در مقابله با تحریکات مرزی ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: «اولا پاسگاهها کم هستند و نایابند ازمستل آنها هنوز جذب انقلاب نشده‌اند و از رژیم گذشته‌اند... پس بازسازی و پاکسازی، تقویت و تجهیز آنها باید جزو برنامه‌های نخست‌وزیر و مجلس قرار گیرد...»

پس از نطقهای قبل از دستور نمایندگان، نوبت به طرح چند ماده واحد با قید دوفوریتی رسید. اول ماده واحد مربوط به تعدید مهلت پاکسازی بود. عده‌ای از نمایندگان طی این طرح خواستار تعدید این مهلت به مدت ۶ ماه دیگر شدند. سپس عزت‌الله سجادی در مخالفت با فوریت طرح گفت: «نه تنها تاکنون تمامی افراد ضدانقلابی از ادارات و وزارتخانه‌ها پاکسازی نشده‌اند بلکه کسانی هم که به انقلاب وفادار بوده‌اند، درین

تصفیه‌شدگان هستند... پاکسازی تنها شامل کنار گذاشتن افراد ضد انقلابی نیست، بلکه شامل دگرگونی نظام اداری حاکم بر محیطهای کتوری نیز می‌شود...»

وی در پایان خواستار بررسی بیشتر پیرامون مسئله پاکسازی و تدوین ضوابط و آیین‌نامه دقیق برای آن شد. حجت‌الاسلام خلیفای در موافقت با فوریت طرح گفت: «من از مجلس میخواهم که هرچه سریعتر به پاکسازی ادارات و وزارتخانه‌ها بپردازد، زیرا این دفع‌الوقتها باعث رشد ضدانقلابی‌میشود. ما باید با قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در همه‌جا بگیریم. ولسی عسما پاکسازی نباید مهمل به تلاشی‌تراشی بشود...»

سپس «دوفوریتی» بودن این ماده برای گذارته شدن و در نتیجه فوریت طرح رد شد و ماده واحد برای بررسی به کمیسیون امور استخدامی مجلس ارائه گشت.

ماده واحد بندی مربوط بود به حفظ کرسی نمایندگی آئینت از نمایندگان، که به وزارت و یا سایر مقامات اجرایی می‌رسند. پس از صحبت‌های فراوان، این ماده واحد به علت مخالفت آشکار این ماده با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رد شد.

آخرین ماده واحده‌ای که در جلسه دیروز برای دوفوریتی بودن آن رای گیری شد مربوط به ترمیم نقش پاسکها و جاده‌های مرزی غرب کشور بود. در توضیح این ماده واحد گفته شد: «برای جلوگیری از خطراتی که به هنگام پیشروی برادران پاسدار و ارتش در خطوط مرزی بروز می‌کند دولت متکلف است موضوع مرمت و بازسازی پاسکها و جاده‌های مرزی را مورد بررسی قرار دهد و اعتبار لازم را برای اسفالت جاده و مرمت پاسکهای ضرورتی‌ترین... تعیین کند...»

دوفوریتی بودن این طرح با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. سپس حجت‌الاسلام رفیعیان در کمیسیون تدوین آیین‌نامه‌خواست که از فرما به بررسی پیشنهادهای واصله از سوی نمایندگان برای تکمیل آیین‌نامه بهره‌برداری

در پایان جلسه دیروز مجلس، اسامی غنشین جلسه گذشته و نام کمیسیونهایی که در تشکیل جلسات و شروع جندی کار عمل کرده بودند، اعلام شد.

جلسه بندی مجلس (پنجشنبه ۹ صبح) اعتبارنامه احمدسلامتیان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

در حاشیه مجلس

نمایندگان از وزیر خارجه ناراضی‌اند. قائمی نماینده بابل، ضمن اشاره به بی‌نیشبهای آزادبخش منطقه گفت: «آنها ایرانی گرفتند و به حق هم ایرانی گرفتند که چرا وزیر خارجه ما در این کشورها می‌روند و پلوتهای طغوتی آنها ملاقات میکنند...»

اسدی‌نیا، نماینده اهواز، از جمله گفت: «آرزوی این وزیر مربوط به راهه با وضع سفارتخانه‌های ایران در خارج آمد و با یک توجیهاتی مسائل را رد کرد... در حالیکه مدارک و اسنادی هست که از جلب سفارتخانه‌های ما در خارج به انقلاب ما ضربه هم وارد شده است...»

تقاضای مجوزات کسای که بوظیفه خود عمل نمی‌کنند. رضا اصغرفانی، هنگام طرح دوفوریتی ترمیم پاسکها و اسفالت جاده‌ها در غرب کشور گفت: «من می‌گویم اصلا احتیاج به مطرح کردن این چیزها نیست. درست است، این مسئله‌ایست فوری و حیاتی و برای همین باید گوش آنها را که این مسائل را می‌دانستند و تاکنون به آن عمل نکرده‌اند گرفت و به مجوزات قانونی رساند...»

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محترک انست

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۱۶ آذر شماره ۶۸
دفتر نامه مردم فلا
در اشغال عناصر
غیر مسئول است

NAMEH MARDOM

No. 318
27 August 1980

Price:
West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

توانسته است ما را به واکنش‌های نادرست، غیر اصولی، عسبی و نابخردانه وادار کند ما کماکان در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیسم و خلقی امام خمینی ایستاده‌ایم و در آینده نیز از هر آنچه که اصولی و اساسی و منطبق با مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشخیص دهیم، مجدداً دفاع خواهیم کرد.

آزادی فعالیت

بقیه از صفحه ۹

ما به انقلاب و تبلیغ و ترویج اهداف ضد امپریالیسم و خلقی آنست. دهها جلد کتاب و نشریه بقلم اعضاء حزب و کادر رهبری آنست، که در توضیح مسائل انقلابی ارائه طرح و برنامه درباره خادترین مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به تحریر درآمده است؛ تشکیل دهها جلسه پرسش و پاسخ، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران است، که کلیه این جلسات وقف روشنگری آفتاب مختلف مردم، بویژه جوانان و مسجیح انتباهات، نیابوری‌ها و موارد ابهام آنان درباره انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و تشریح مواضع حزب توده ایران نسبت به انقلاب و مهمترین مسائل آن شده است؛ برپایی صند مجلس سخنرانی از سوی مسئولین حزبی در شهرها و روستاهای سراسر کشور است، که دور افتاده‌ترین اقشار جامعه را با اهداف انقلاب آشنا و در راه تحقق آن بسیج کرده است؛ فعالیت روزمره همه سازمانها و همه افراد حزبی است که بر اساس این مثنی اصولی و انقلابی انجام گرفته و میگیرد. ما تردید نداشته‌ایم و نداریم که